

آسیب شناسی مشاوره



تهیه و تنظیم: مهدی پروین زاد

گفت و گو با:

دکتر شکوه نوابی نژاد



در نگاه به دوران خوش کودکی به وجد می آید و دلش می خواهد به همه زوایای عطر آگین آن فضا پرواز کند. بازی با حیوانات اهلی و پرندگان در حیاطی بزرگ و پر از گل و درخت و حوض و ماهی و قصه های شیرین شبانه مادر و «گلین خانم»، زن مهربانی که یاور خانواده در سختی های زندگی بود، می خواهد دور از همه عناوین و افتخارات و مشغله ها، ساعتی در ساحت کودکی بماند و ما را نیز با خود همراه کند تا شاهد خوشبختی های کودکانه دیروز او باشیم.

در صحبت از اولین و بهترین معلم زندگی اش، مادری که اولین بذره های ایمان به خدا و عشق به یاری درمندان را در زمین مستعد دلش کاشت، اشک هایش بی اختیار سرازیر می شوند و بر جاری کلماتش سدی از آب و عاطفه می بندند و ما در این لحظات آسوبناک و متراکم، در مانده می شویم که ضبط را خاموش کنیم یا همنوا با او، بی آن که چشم سر ببیند، در دل گریه کنیم.

امروز در دفتر کیهان فرهنگی، میزبان بانوی مشاوره ایران خانم دکتر شکوه نوابی نژاد از پیشکسوتان رشته مشاوره و راهنمایی و روان درمانی هستیم، بانوی دانشمندی که در آستانه ۷۲ سالگی با قامتی افرشته و دلی پر نشاط و ذهنی بارور، به پرسش های پر شمار ما، در زمینه مشاوره و راهنمایی صورتان پاسخ می دهد و برای معضلات و مشکلات جامعه متحول ما، با توجه به تمامی تجربیات علمی و اجتماعی خود رهنمود می دهد. راهکار او برای برون رفت از بحران مجرد طولانی جوانان ما که آسیب های فردی و جمعی بسیاری را به دنبال دارد، با اندکی تسامح، نظریه ای واقع بینانه و ارزشمند است. آنچه در پی می خوانید، حاصل دو دیدار ما با این بانوی فرهیخته در تمامی جنبه های مشاوره در دفتر کیهان فرهنگی است.



دکتر شکوه نوبی نژاد در سال ۱۳۱۵ در خانواده‌ای مذهبی و سنتی در تهران به دنیا آمد. وی نخستین آموزه‌های دینی را از مادرش که زنی متفین و پارسا بود فرا گرفت. به دبستان مهستی و دبیرستان آذر رفت و پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبی و تجربی، در رشته زبان انگلیسی لیسانس گرفت. (۱۳۳۹)، برای ادامه تحصیلات تکمیلی در همین رشته به دانشگاه آمریکایی بیروت در لبنان رفت ولی پس از مدتی احساس کرد گمشده او در رشته دیگری به نام مشاوره و راهنمایی است. باز حجت فراوان تغییر رشته داد و سرانجام از آن دانشگاه در رشته مورد علاقه خود فوق لیسانس گرفت و به ایران بازگشت. (۱۳۴۶)، دکتر نوبی نژاد در ایران با کمک استاد خویش پرفسور یانگ، رشته مشاوره و راهنمایی را در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت معلم تأسیس کرد. وی پس از چند سال تدریس و تحقیق در ایران، در سال ۱۳۵۳، زمانی که عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم بود برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری رشته راهنمایی و مشاوره به آمریکا رفت و بعد از سه سال در رشته روان شناسی مشاوره، از دانشگاه ایالتی نیراسکا Ph.D گرفت و به ایران بازگشت و به عنوان مدیر گروه مشاوره و راهنمایی در دانشگاه تربیت معلم مشغول به کار شد. (۱۳۵۶)، با پیروزی انقلاب اسلامی و سپس انقلاب فرهنگی، دکتر نوبی نژاد چند سالی ضمن تحقیق، تألیف و ترجمه، به همکاری با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کانون اصلاح و تربیت، صدای جمهوری اسلامی ایران و نیز انجمن اولیاء و مربیان پرداخت.

دکتر نوبی نژاد دارای ۳۸ سال سابقه و تجربه کار در زمینه‌های آموزشی-پژوهشی و فعالیت‌های کلینیکی (مشاوره درمانی) بوده، از پیشکسوتان و بنیانگذاران رشته مشاوره در ایران و مشهور به «بانوی مشاوره ایران» است. وی علاوه بر گذراندن دوره دکتری رشته مشاوره و راهنمایی دارای دیپلم تخصصی خانواده درمانی از دانشگاه یال استیت آمریکا است. دکتر نوبی نژاد در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ به تربیت مدرس مدیریت سالیبارتی کمیته بین المللی المپیک و نیز مدرس روان شناسی ورزشی کمیته بین المللی المپیک بوده است. فعالیت‌های آموزشی و مدیریتی وی چنین خلاصه می‌شود:

• تدریس کلیه دروس تخصصی راهنمایی و مشاوره و دروس مرتبط روان شناسی در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

• همکاری در ایجاد و توسعه گروه برنامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری مشاوره در دانشگاه تربیت معلم، (۴۸-۱۳۴۷).

مادران با بستگان، همسایه‌ها و آشنایان چگونه بود؟

دکتر نوبی نژاد: این نکته را قبلاً عرض کنم که پدر بزرگ و مادر بزرگم در خیابان چراغ برق و نزدیک مازندگی می‌کردند. آنها خیلی با ما مرادده داشتند. دهم هر ماه در منزل مراسم روضه خوانی داشتیم و خیلی از آشنایان و اقوام و همسایگان به منزل ما می‌آمدند و در این مراسم شرکت می‌کردند. یادم هست پدر بزرگ و مادر بزرگ و چند خاله و عمه‌ام شب‌های روضه، بعد از مراسم معمولاً در خانه ما می‌خوابیدند و به طور کلی معاشرت و ارتباط زیادی با فامیل داشتیم. من اینها را حالا به عنوان یک ارزش مطرح می‌کنم، چون وقتی به دانشگاه رفتم و دوره تخصصی خانواده درمانی را طی کردم، دیدم تک‌تک این مراسم، صله رحم‌ها و دید و بازدیدهای خانوادگی از عوامل مهم، تأثیرگذار و تعیین کننده در شخصیت افرادند.

خانواده شما از چند خواهر و برادر تشکیل می‌شد؟

دکتر نوبی نژاد: ما جمعاً شش خواهر و برادریم؛ پنج خواهر و یک برادر. خواهر بزرگم پزشک متخصص زنان و دارای مطالعات قرآنی است. ایشان فرهنگی بودند و حالا باز نشسته‌اند. بعد از ایشان، سه خواهر دیگرم هستند که ازدواج کرده‌اند و برادرم هم مهندس است.

دکتر شکوه نوبی نژاد: متولد

۱۳۱۵ در تهران و فرزند آخرین

خانواده سنتی - مذهبی هستم.

پدرم، مرحوم حاج امیر آقا است که

در سه راه امین حضور،

گذری به نام ایشان است.

بود. پدرم به حیوانات و طبیعت خیلی علاقه داشت. در خانه ما چهار درخت خرما لوی بزرگ بود و در کنار آنها، گل‌های قشنگ و سفید جای قرار داشت. فضای خانه ما خیلی طبیعی بود و واقعا زندگی در آن جریان داشت.

ارتباط با حیوانات اهلی در کودکی، در گسترش احساس عاطفی انسان خیلی موثر است.

دکتر نوبی نژاد: همینطور است، محبت به حیوانات و غذا دادن به آنها، تأثیر خوبی بر ما داشت.

شما در خانواده‌ای کاملاً سنتی بزرگ شده‌اید، ارتباطات اجتماعی پدر و

تشریح: تشکر می‌کنیم از خانم دکتر شکوه نوبی نژاد برای حضورشان در دفتر کیهان فرهنگی، امیدواریم بحث و گفت‌وگوی مادر این نشست، رهنمودهای ویژه‌ای برای خوانندگان گرامی دربر داشته باشد. همانطور که مستحضرید ما در گفت‌وگوها درنگ بیشتری بر خانواده، تحصیل، انگیزه‌ها و تأثیرپذیری‌ها می‌کنیم، به همین جهت تقاضا می‌کنیم گفت‌وگو را از خانواده، تولد و تحصیل آغاز کنید.

دکتر شکوه نوبی نژاد: بسم الله الرحمن الرحیم. من متولد سال ۱۳۱۵ در تهران و فرزند آخرین خانواده سنتی و مذهبی هستم. پدرم مرحوم حاج امیر آقا است که در سه راه امین حضور، انتهای کوچه آبخار و در دار، «گلر حاج امیر آقا» به نام ایشان است و من همان جا متولد شدم. ما خانواده شلوغ و پر رفت و آمدی داشتیم. من کوچکترین فرزند خانواده بودم و همبازی‌های من تقریباً بچه‌های خواهران بزرگترم - با یکی دو سال اختلاف - بودند. کودکی خیلی خوبی داشتم، وقتی دوره‌های مختلف زندگی‌ام را با هم مقایسه می‌کنم، دوره کودکی‌ام را بهترین دوره می‌بینم. ما خانه بزرگی داشتیم و چند حیوان اهلی مثل گربه، غاز، بوقلمون و کبوتر که با آنها بازی می‌کردیم و یاد گرفته بودیم به آنها غذا بدهیم. در حوض حیاطمان ماهی‌های قرمز بزرگ

استاد راهنما و مشاور بیش از ۸۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری
 مدیر گروه مشاوره از بدو تأسیس گروه و برنامه مشاوره در دانشگاه در سال های: (۵۳-۴۸)، (۵۸-۵۶)، (۷۱-۶۷)، (۸۶-۸۳)
 عنوان و اختراعات دکتر نوایی نژاد:
 استاد نمونه کشور، ۱۳۸۰
 پژوهشگر نمونه دانشگاه، ۱۳۷۸
 استاد نمونه دانشگاه، ۱۳۷۴
 زن نام آور ایران، ۱۳۷۹
 مقاله دهنده بهترین مقاله علمی- پژوهشی در پنج کنفرانس بین المللی
 استازو زن پژوهشگر دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۳
 هزینه چاپ و پخش در سال جهانی کتاب در سال ۱۹۷۱ به خاطر ترجمه کتاب (راهنمایی در مدارس امروز)
 دکتر نوایی نژاد از سال ۱۳۴۶ تاکنون، فعالیت های پژوهشی بسیاری داشته و با ایراد سخنرانی ها و ارائه مقالات در سمینارها و کنگره های متعدد داخلی و بین المللی،
 چهره های شناخته شده در مجامع علمی و پژوهشی است. وی در شماری از سازمان ها و نهادهای داخلی و بین المللی عضو بوده، بیش از ۳۰ کتاب تألیف و ترجمه
 کرده و ۲۰ مقاله علمی- پژوهشی به زبان های فارسی و انگلیسی در نشریات معتبر داخلی و خارجی منتشر نموده است.
 دکتر نوایی نژاد در بهمن ماه ۱۳۸۵ بازگشته شد، اما با دعوت رسمی همچنان مشغول به کار است و در کنار تدریس در دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی و اداره
 کلینیک مشاوره و راهنمایی، در عرصه های علمی- پژوهشی در داخل و خارج کشور و در عرصه تألیف و ترجمه آثار مرتبط با تخصص خود همچنان پویا و در تلاش
 است.

جذاب و شیرین برایمان تعریف می کردند، مثلاً
 داستان حضرت نوح و داستان حضرت یوسف را:
 کتیبه: گلین خانم از نزدیکاتان بود؟
 دکتر نوایی نژاد: نخیر، ایشان خانم سالمند و
 خوش حافظه ای بودند که کسی را نداشتند و در بزرگ
 کردن بچه های خانواده ما خیلی نقش داشتند. این
 خانم داستان های فوق العاده و جالبی برای ما تعریف
 می کردند. من در همان کلاس دوم ابتدایی، با همان
 خط کج و کوله ام، دو نمونه از قصه های ایشان را
 نوشتم و آن را برای آقای صبحی که در رادیو داستان
 می گفت، فرستادم. یادم هست که ایشان در جواب
 نامه من نوشته بود: «این دو داستان ایرانی، اصیل و
 فوق العاده اند و برای من که در این کار هستم، خیلی
 جالب است، معرفی کنید ببینم چه کسی این
 داستان ها را برای شما گفته است؟ خداوند گلین
 خانم را رحمت کند، در قصه گویی خیلی تخصص
 داشت و با بیان شیوا همه ما را جذب می کرد.
 کتیبه: به این ترتیب شما در منزل به
 نوعی آموزش پیش از دبستان داشتید.
 دکتر نوایی نژاد: بله، آن موقع مهدکودک در تهران
 رایج نبود. ولی خانمی روبه روی منزل ما بود که در
 منزلش به بچه های محله قرآن و مطالب دیگر یاد
 می داد. آنجا ما با بچه ها بازی می کردیم و کمی هم
 در کارهای خانه به آن خانم کمک می کردیم.
 کتیبه: در حقیقت منزل آن خانم مثل
 مکتب خانه بود.



در آغوش مادر

کردند. پدرم هم اهل مطالعه بودند. در منزل ما
 کتاب های قصص قرآن و همینطور کتاب بینوایان
 به ترجمه مرحوم حسینی مستعان بود و
 می خواندیم. کار دیگری که آن موقع انجام می شد
 و ما امروز نمی توانیم به آن شکل زیبا انجام بدهیم،
 موضوع قصه گویی در منزل بود. یادم هست
 شب ها بچه ها دور هم می نشستیم و گلین خانم
 حدود یک ساعت برای ما قصه می گفتند و
 داستان های طولانی و دنباله دار را در چند شب
 متوالی می گفتند. مادرم هم قصه های قرآنی را خیلی

کتیبه: از نقش و تأثیر پدر و مادران در
 موفقیت هایمان بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: پدرم به تحصیل ما خیلی توجه
 داشتند و علاقه مند بودند که فرزندانمان تا جایی که
 امکان داشت ادامه تحصیل بدهند. من و خواهر
 بزرگترم بیشتر از بقیه از این فرصت استفاده کردیم.
 پس از لطف و عنایت پروردگار، من علم جویی و
 پویندگی را مدیون پدرم هستم.
 مادرم زن بسیار متدین و مدیری بودند، قرآن را
 حفظ داشتند و از همان سن سه یا چهار سالگی، ما را
 با کتاب خدا و زندگی پیامبران آشنا کردند؛ به همین
 خاطر همه خواهران و برادرم، قبل از ورود به
 مدرسه، قرآن را بلد بودند. مادرم برای تربیت
 فرزندانم خیلی زحمت کشید. او اولین و بهترین
 مربی زندگی ام بود. من در صحبت کردن از مادرم
 دچار هیجان می شوم و کنترلی بر اشک هایم
 ندارم... بیخشید. همواره این جمله مادرم را به
 خاطر دارم که می گفتند: «همیشه رضایت خداوند را
 در نظر بگیرید و او را ناظر بر خود و اعمالتان بدانید»
 سعی می کردند این حرف آویزه گوش ما باشد.
 کتیبه: با کتاب و مطالعه چگونه آشنا
 شدید؟

دکتر نوایی نژاد: همانطور که گفتم، من در خانه و
 توسط مادرم با کتاب خدا آشنا شدم. ایشان از طریق
 داستان، زندگی پیغمبران را به شکلی جذاب برای
 ما تعریف می کردند و از این طریق ما را با قرآن آشنا

دکتر نوایی نژاد: نخیر، آنجا صورت رسمی مکتب خانه را نداشت، این خانم از کسانی بود که به جلسات روضه منزل ما می آمدند و خیلی مهربان بودند، ما هم احترام خاصی برای ایشان قایل بودیم. **کتابخانه:** دوره دبستان را هم در همان محله خودتان شروع کردید؟

دکتر نوایی نژاد: بله، من در همان کوچه آبشار به دبستان «مهستی» رفتم، دبستان خوبی بود و معلم ها را هم دوست داشتم، مخصوصاً معلم کلاس سوم، خانم خراسانی را که خیلی خوش اخلاق بودند و آرام حرف می زدند و بچه ها با محبت رفتار می کردند. یکی از شیوه های تشویقی ایشان در کلاس این بود که هر کس پای تخته می رفت و درسش را خوب جواب می داد، مهربانانه دستی روی سر او می کشید. باور کنید بچه ها برای همین دست کشیدن خانم خراسانی، سعی می کردند خوب درس بخوانند تا این افتخار نصیبشان بشود؛ گاهی بعضی از بچه ها با افتخار می گفتند: من در این هفته سه بار درس جواب دادم و خانم خراسانی سه بار دست روی سرم کشیدند! اینها شیوه های ظریف ولی بسیار تأثیر گذاری بود که در ایجاد انگیزه و خلق فضایی گرم و صمیمانه و تشویق به مطالعه و درس خواندن بچه ها خیلی مؤثر بود، من هیچ وقت خانم خراسانی را فراموش نمی کنم.

کتابخانه: از دوره دبیرستان هم بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: آن موقع، دبیرستان دخترانه آذر، مثل دبیرستان انوشیروان از جمله چند دبیرستان مطرح تهران بود، اما مسؤولان این دبیرستان، کمی جدی تر بودند و روی نظم و تربیت دانش آموزان خیلی تأکید داشتند. خدا رحمت کند خانم همایون را که آنجا مدیر ما بودند. ایشان همان فرد نیکوکاری بودند که بعد از باز نشستگی در میدان هفت تیر، مرکز نگهداری از کودکان عقب مانده ذهنی را تأسیس کردند.

کتابخانه: شاخص ترین معلم تأثیر گذاری که در این دبیرستان داشتید چه کسی بود؟
دکتر نوایی نژاد: شاخص ترین دبیر، کسی که هرگز فراموشش نمی کنم و برایش همیشه دعای خیر دارم، دبیر زبانمان خانم آذر شرقی بود.

کتابخانه: خواهر دکتر نادر شرقی داروساز؟

دکتر نوایی نژاد: نخیر، دختر ایشان، آقای دکتر شرقی صاحب یکی از داروخانه های معروف تهران در خیابان چراغ برق بود. ایشان هفت یا هشت فرزند داشت که سه نفر از آنها در دبیرستان ما تدریس می کردند؛ به ما زیست، زبان و ادبیات درس

انگلیسی را انتخاب کنم.

کتابخانه: خانواده هم با انتخاب شما موافق بودند؟

دکتر نوایی نژاد: پدرم معتقد بودند که زبان یک وسیله یادگیری است و به من می گفتند: تو ذهن تحلیل گر و توان علمی خوبی داری و می توانی به یک رشته علمی بزوی. ایشان علاقه داشتند که حقوق بخوانم و در این مورد اصرار می کردند. من در دانشگاه در دو رشته حقوق و زبان قبول شدم، اما رشته زبان را به خاطر علاقه ای که به خانم آذر شرقی داشتم، انتخاب کردم.

کتابخانه: دیپلم شما در چه رشته ای بود؟

دکتر نوایی نژاد: من دو دیپلم و ادبی و تجربی گرفته بودم. در امتحان متفرقه برای دیپلم ادبی بالاترین نمره ام از درس عربی بود، گرچه آن موقع عربی خیلی سخت بود.

کتابخانه: کتاب های زبان عربی را

در گذشته خیلی سخت تلویز می کردند، نه این که مطلب زیادی در آن باشد. به نظر می رسید که مطالب کتاب جا به جا شده بود!

دکتر نوایی نژاد: بحمدالله حالا روش ها تغییر کرده، کتاب های خوبی در این زمینه چاپ شده و آموزش زبان عربی آسان شده است.

کتابخانه: در محتوای صحبت هایتان دو

نکته تربیتی مهم بود، یکی این که انگیزه آموزش از خود آموزش مهم تر است. گاهی ممکن است حجم مطالب آموختنی با کوشش بالا برود، ولی انگیزه پایین بیاید. نکته دیگر این که آموزه خوب مرحوم مادران که در هر کاری خدا را ناظر بر خودتان و اعمالتان بدانید، متأسفانه در شیوه آموزشی و تربیتی ما این نکته مهم فراموش شده است. اگر این نکته را رعایت می کردیم خسته نمی شدیم و دچار دلهره های مخرب که مغل نظم ذهنی و آرامش و تمرکز است نمی شدیم. وقتی کار برای خدا باشد، نتیجه، هر چه که باشد، پذیرفتنی خواهد بود.

دکتر نوایی نژاد: من نتیجه تربیت های غلط و توقع های افراطی و بی جای بعضی از خانواده ها را به وضوح در جامعه می بینم. مثلاً خانمی خسته در حالی که کودک پنج ساله اش را که در حال خواب است بغل گرفته، پیش من می آید، می گوید: بچه ام کلاس ژیمناستیک بوده و حالا باید او را به کلاس کامپیوتر ببرم! من وقتی وضعیت این گونه بچه ها را با گذشته خودم مقایسه می کنم. احساس تنیدگی

□ مادر من بسیار متدین و مدیری بودند، قرآن را حفظ داشتند و از همان سن سه یا چهار سالگی، ما را با کتاب خدا و زندگی پیامبران آشنا کردند... او اولین و بهترین مربی زندگی ام بود؛ من در صحبت کردن از مادرم دچار هیجان می شوم و کنترلی بر اشکهایم ندارم.

می دادند. خانم آذر شرقی معلم زبان انگلیسی ما بودند. از نظر شخصیتی، من خیلی مجذوب ایشان بودم. درس خام شرقی تنها زبان نبود، برنامه ریزی برای آینده و زندگی هم بود. در اولین جلسه، فقط برایمان صحبت کردند و درس ندادند، گفتند: «زبان انگلیسی درس فرآری است و اگر مدام تمرین نکنید، به سرعت فراموش می کنید.»

و اضافه کردند: «من امروز می خواهم راجع به موضوعی برایتان حرف بزنم که در زندگی شما اثر گذارتر از زبان انگلیسی است و آن برنامه ریزی، نظم و وقت شناسی است.»

من این جمله و تأکید را از ایشان به یادگار دارم، به همین جهت در دانشگاه و در کلاس هایم، در جلسه اول، فقط صحبت می کنم و درس نمی دهم و از نظم و برنامه ریزی و وقت شناسی برای دانشجویانم صحبت می کنم. همین تأکید خانم شرقی بر نظم و برنامه ریزی و وقت شناسی باعث شد که بچه های کلاس ما انگیزه فوق العاده برای پیشرفت تحصیلی پیدا کنند، به طوری که همه آنها در آن دوره در دانشگاه قبول شدند. علاقه شدید من هم نسبت به شیوه های تربیتی، تدریس و شخصیت خانم آذر شرقی باعث شد که در دانشگاه هم رشته زبان

می‌کنم و می‌بینم واقعاً به این بچه‌ها ظلم می‌شود. مادر این بچه نمی‌داند که وقتی فرزندش به دبیرستان و دانشگاه برسد، دچار افسردگی خواهد شد. این جوان ممکن است در آینده همه چیز داشته باشد، اما در حقیقت هیچ چیز ندارد، چون «کودکی» نداشته است. یعنی آن زمانی را که باید این کودک از نظر عاطفت، ارتباط، نوازش، بخشش و مهریانی در خانواده سیراب شود، از دست داده و از آن مرحله دیگر گذشته است. یکی از بزرگان می‌گوید: در فرآیند تعلیم و تربیت، ما باید به این نکته توجه کنیم که هر سنی اقتضاعات خاص خودش را باید داشته باشد و اگر انسان از آن مرحله عبور نکند، به بحران تبدیل می‌شود و دیگر نمی‌توانیم به شخص بگویم تو حالا خوب درس بخوان و وقتی فارغ التحصیل شدی ایام خوب و خوشی خواهی داشت، این فکر غلط است.

سپید: شما این خوشبختی را در ایام کودکی داشته‌اید که در محیطی صمیمی و در خانواده‌ای مذهبی با یک سری ارزشها، سنت‌ها و آداب و رسوم مطلوب رشد کرده‌اید، متأسفانه این نوع زندگی‌ها و روابط تحلیل نمی‌شوند تا پدر و مادرها بدانند چه ارزش‌هایی را داشته‌اند.

دکتر نوایی نژاد: اجازه بدهید در تأیید فرمایش اشاره کنم، همانطور که مدیریت اشاره کردم، ما زندگی پررفت و آمدی داشتیم و دهم هر ماه جلسه مذهبی داشتیم، اداره این جلسات نیازمند برنامه‌ریزی، مدیریت و تدارکات خاصی بود. خب، آن موقع در این گونه موارد برنامه‌ریزی روی کاغذ معمول نبود، در عوض، کارها عملاً و با نظم خاصی اجرا می‌شد و هر کس وظیفه خودش را می‌دانست، همه

ما می‌دانستیم که مثلاً روز بعد مراسمی در خانه داریم و همه مشغول کار بودیم و هر کس یک گوشه‌ای از کار را می‌گرفت. البته مدیریت با مادرم بود که بر همه چیز نظارت داشت و به هر کدام از فامیل و آشنا، کاری متناسب با سن و توانمندی شان می‌سپردند تا ضمن کار برای آن مراسم خاص، ناهار حاضرین را هم تدارک ببینند که افراد، ظهر گرسنه نماتند.

این مدیریت و هنر مادرم بود که کارها را شفافاً به دیگران تفهیم می‌کردند و خودشان هم بر کارها نظارت داشتند، چون انگیزه‌ها مذهبی و الهی بود،

□ از نظر مفهومی، ما قدیمی‌ترین کشور و به نوعی بنیانگذار «راهنمایی و مشاوره» در جهان هستیم. رهنمودهای قرآن کریم و احادیث ائمه (ع) چارچوبی قوی برای کار ماست. ادبیات هزار ساله ما هم که برگرفته از تعالیم اسلامی است، سرشار از مفاهیم راهنمایی و اهمیت مشاوره در زندگی فردی و جمعی است.

انگلیسی را به شیوه کلاسیک یاد می‌داد و به اصطلاح، به روز نبود.

به هر حال، لیسانس زبان انگلیسی را از دانشگاه تهران گرفتم، در این میان از طرف دانشگاه آمریکایی بیروت در لبنان آگهی ثبت نام برای امتحان زبان جهت ورود و ادامه تحصیل در آن دانشگاه، در دانشگاه تهران بخش شد و من تصمیم گرفتم در آن امتحان هم شرکت کنم.

سپید: خانواده با تحصیل شما در لبنان مخالفتی نداشتند؟

دکتر نوایی نژاد: راستش من هیچ وقت تصور نمی‌کردم خانواده‌ام اجازه بدهند برای ادامه تحصیل به خارج بروم، به همین جهت اول امتحان زبان دادم بینم نتیجه چه می‌شود.

مشکل دیگر این بود که دانشگاه آمریکایی بیروت، سطح علمی بالایی داشت و تنها دانشجویان زبده می‌توانستند در آنجا تحصیل کنند؛ از طرفی، هزینه تحصیل در آنجا هم زیاد بود. در آن آزمون چهار نفر در امتحانات کتبی قبول شدند، اما در مصاحبه دو نفر رد شدند.

بنابراین، از کل کشور تنها دو نفر قبول شدند که یکی از آنها من بودم و عجیب‌ترین این که خانواده‌ام نه تنها پذیرفتند که در لبنان ادامه تحصیل بدهم، بلکه در این راه تقویت کردند.

سپید: چه سالی به لبنان رفتید؟

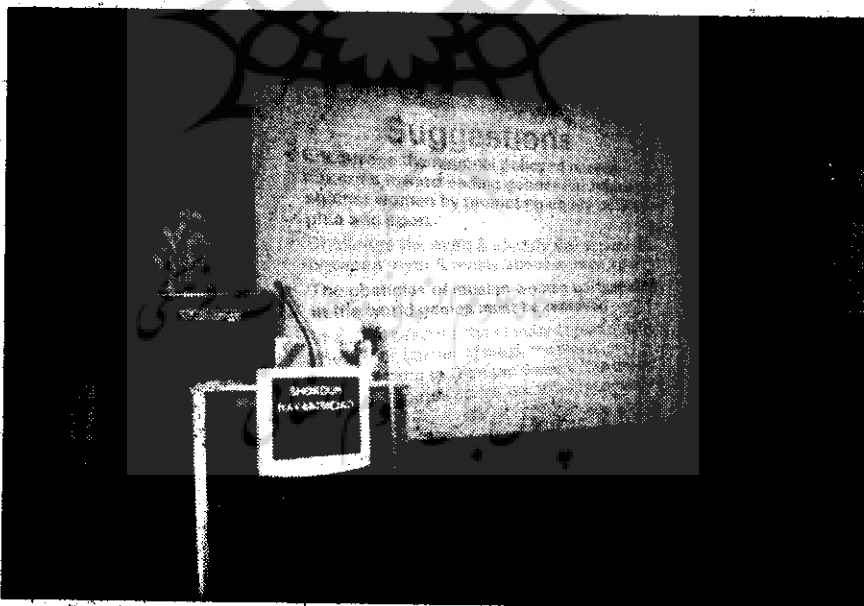
دکتر نوایی نژاد: من در سال ۱۳۴۴ به بیروت رفتم و آنجا ضمن تحصیل در رشته زبان انگلیسی با استادان رشته‌های دیگر این دانشگاه هم صحبت کردم و اجازه گرفتم در کلاس‌های آنها هم شرکت کنم و آنها موافقت کردند. در بین کلاس‌های رشته‌های مختلفی که سرزدم، با درس مبانی راهنمایی و مشاوره آشنا

شدم و این رشته را بسیار پسندیدم.

شیوه تدریس یکی از استادان این رشته، مرا جذب کرد. از آن استاد وقت گرفتم و گفتم: من رشته‌ام زبان انگلیسی است ولی از ترم دیگر می‌خواهم تغییر رشته بدهم و به رشته مشاوره و راهنمایی بیابم. ایشان به من گفت: عجله نکن، تا یک ماه دیگر هم فرصت داری، در این مدت به کلاس‌های من بیا، ما یک کارگاه آموزشی هم داریم، آنجا را هم ببین.

به هر حال، تغییر رشته کار دشواری بود، اما با مکاتبه و پیگیری این کار را انجام دادم و وارد رشته راهنمایی و مشاوره شدم. البته برای این کار باید یک

سپید:



○ کفرانس چیست در اسلامبول - ترکیه

کارها در فضایی صمیمانه و توأم با آرامش پیش می‌رفت و انجام می‌شد.

سپید: استاد! از تحصیل زبان در دانشگاه بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: همانطور که عرض کردم، من رشته زبان انگلیسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه دادم. البته هیچ وقت قانع به درس دانشگاه نبودم، به همین علت همزمان با تحصیل در دانشگاه، در دو مؤسسه دیگر زبان ثبت نام کردم تا به این زبان مسلط شوم. چون دانشگاه زبان

ترم کامل، پیش‌نیاز می‌گرفتم، به همین خاطر زمان تحصیل کمی طول کشید.

کشیان: اولین روزی که به عنوان دانشجوی رسمی رشته مشاوره و راهنمایی به کلاس رفتید چه احساسی داشتید؟

دکتر نوابی نژاد: احساس می‌کردم مشاوره و راهنمایی همان رشته‌ای است که می‌توانم در آن رشد کنم و فکر می‌کردم با خدمتی که از این طریق می‌توانم به دیگران داشته باشم، به رضایت درونی خودم هم پاسخ می‌دهم. یقین داشتیم که رشته‌های دیگر نمی‌توانند این احساس خوب را به من بدهند.

کشیان: لطفاً درباره عنوان پایان‌نامه فوق لیسانس‌تان هم در رشته راهنمایی و مشاوره کمی توضیح بفرمایید.

دکتر نوابی نژاد: عنوان پایان‌نامه «کاربرد مفاهیم و اصول راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش دوره ابتدایی در ایران» بود که کمی با مشکل روبه‌رو شد. نزدیک پایان ترم و دفاع از رساله‌ام مصادف با جنگ اسرائیل و لبنان در سال ۴۶ بود و به همین جهت با هوایما به تهران برگشتم و یک ماه در تهران ماندم، در این مدت، به دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت معلم سرزدم و با مسوولانش صحبت کردم، اما دانشگاه تربیت معلم را بیشتر پسندیدم، به رئیس این دانشگاه

گفتم: من چنین رشته‌ای خوانده‌ام و می‌خواهم آن را تا سطح عالی دکتری ادامه بدهم، آنها استقبال کردند و گفتند: بهتر است بعد از اخذ مدرک فوق لیسانس از لبنان به ایران برگردی چون قرار است مشاوره و راهنمایی جزو برنامه نظام آموزش و پرورش ما قرار بگیرد. به هر حال، بعد از یک ماه مجدداً به بیروت برگشتم و از رساله‌ام دفاع کردم و مدرک فوق لیسانس گرفتم، بعد هم طبق قراری که با مسوولان دانشگاه تربیت معلم داشتم برای

همکاری با آنها به تهران آمدم. مسوولان دانشگاه تربیت معلم از من خواستند که دپارتمان مشاوره را در آن دانشگاه تأسیس کنم، چون رشته مشاوره و راهنمایی در این دانشگاه نبود. خوب، این کار بزرگی بود، گفتم: به تنهایی نمی‌توانم این کار را انجام بدهم، بهتر است از استاد راهنمای رساله‌ام کمک بخواهید. گفتند: خودت این کار را انجام بده. من با آن استاد مکاتبه کردم و پرفسور یانگ با یک قرارداد یک ساله به ایران آمد تا این رشته را در ایران راه‌اندازی کنیم. از آن به بعد بود که در دانشگاه تربیت معلم

هنوز در ایران دایر بود؟

دکتر نوابی نژاد: بله، همین دانشسرا بعداً دانشسرای تربیت معلم شد و این برنامه هم آنجا اجرا شد.

کشیان: با توصیفی که فرمودید، آیا می‌توانیم شما را از پیشکسوتان رشته راهنمایی و مشاوره در کشورمان بدانیم؟

دکتر نوابی نژاد: البته در این زمینه من تنها نبودم و همکاری داشتم؛ کسانی مثل: استاد کاردان و استاد شکوهی که اولین کتاب‌ها را در این زمینه نوشته یا ترجمه کرده بودند. من هم برای کلاس‌های درسی خودمان یکی از کتاب‌های اصلی این رشته را ترجمه کردم.

کشیان: لطفاً درباره این اثر و نویسنده آن هم توضیح بفرمایید.

دکتر نوابی نژاد: من کتاب «راهنمایی در مدارس امروز» اثر مک دانیل را در سال ۱۳۴۹ که از طرف سازمان یونسکو، سال جهانی کتاب اعلام شده بود، ترجمه کردم. این کتاب همان سال به خاطر نو بودن موضوع، اصالت، امانت در ترجمه و تسلط مترجم به دو زبان، بهترین کتاب شناخته شد.

کشیان: شما در مقدمه این کتاب، نوشته‌اید که به خاطر برخی تفاوت‌های فرهنگی و واقعیت‌های

اجتماعی و تربیتی موجود بین ایران و آمریکا، تغییری در ترجمه متن اصلی داده‌اید، لطفاً در این مورد هم توضیح بفرمایید.

دکتر نوابی نژاد: من باید در ترجمه این اثر، رعایت امانت می‌کردم، به همین خاطر ابتدا با دکتر یانگ مشورت کردم و بعد با آقای مک دانیل استاد دانشگاه لس‌آنجلس مکاتبه کردم و اجازه ترجمه این کتاب را گرفتم و بعد ابهاماتی را که در کتاب داشتم، برطرف کردم. آقای مک دانیل در پاسخ نامه‌ام نوشته بود:

یک جلد از ترجمه کتاب را برایت بفرست، هر چند من فارسی نمی‌دانم، اما پز آن را که می‌توانم بدهم! من تنها در مثال‌ها، مواردی را که با فرهنگ ما مناسب نبود، با اجازه استاد و راهنمایی دکتر یانگ حذف کردم و واژگان و اصطلاحاتی را هم جایگزین کردم که به اصالت کتاب دست نخورد.

کشیان: به نظر می‌رسد برنامه مشاوره و راهنمایی در مدارس ما، در حقیقت پیش درآمد تغییر نظام آموزشی دو مرحله‌ای دبستان و دبیرستان در کشورمان بود،

□ من ضمن آن که معتقدم هیچکدام از نظریه‌های خانواده‌درمانی غربی نمی‌توانند برای جامعه ما کاملاً مفید باشند، عقیده دارم که ما به یک دیدگاه جامع در خانواده‌درمانی ایرانی نیاز داریم؛ چون خانواده‌ما دارای فرهنگ پیچیده‌ای است و اصلاً تعریف ما از خانواده و نقش زن در خانواده، با غرب متفاوت است.



○ سردان، کفرانس ورزش زنان مسلمان

دانشجوی لیسانس و فوق لیسانس برای این رشته گرفتیم. البته آن موقع ضابطه ما برای ورود به مقطع فوق لیسانس مشاوره، داشتن لیسانس تعلیم و تربیت و روان‌شناسی و سابقه پنج سال کار در آموزش و پرورش بود و ما ترجیحاً می‌خواستیم کسانی در مقطع فوق لیسانس این رشته تحصیل کنند که پست مدیریتی داشتند. می‌خواستیم آنها با یک نگاه و اشرافی نسبت به مقوله آموزش و پرورش کشور به این رشته بیایند.

کشیان: آن زمان دانشسرای عالی هم

همین طور است؟

دکتر نوایی نژاد: بله، سال ۱۳۵۰، سالی بود که نظام آموزش و پرورش کشور عوض شد، یعنی همانطور که فرمودید، به جای دو دوره شش ساله ابتدایی و دبیرستان، دوره‌های پنج، سه و چهار ساله را گذاشتند، یعنی پنج سال دبستان، سه سال راهنمایی و چهار سال متوسطه. در حقیقت دوره «راهنمایی» این وسط اضافه شد. این دوره سه ساله، دوره‌ای بود که کل فعالیت‌های مشاوران ما عمدتاً در آن متمرکز می‌شد. مسؤولان وقت، این سیستم را از فرانسه گرفته بودند.

کیهان: قرار بود در این دوره سه ساله راهنمایی چه اقدامات و تحولاتی در آموزش کشور صورت بگیرد؟

دکتر نوایی نژاد: آن زمان سازمان برنامه گزارشی تحقیقی داده بود مبنی بر این که مادر سطوح مختلف تخصصی نیرو داریم، کارگر غیر ماهر هم زیاد داریم، اما در این میان کارگر فنی و ماهر نداریم، دانش آموزان هم پس از اخذ دیپلم هجوم می‌آورند که وارد دانشگاه شوند و این امر مطلوب نبود. قرار بود در دوره راهنمایی دانش آموزان کمک شوند تا جهت‌گیری شان برای آینده شغلی تغییر کند و جمعی از آنها وارد بازار کار شوند و عملاً تکنسین شوند و تنها تعداد کمی از آنها در سشان را تمام کنند و به دانشگاه بروند. این طرح بعدها تغییر ماهیت داد و شیوه‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش پیش آمد و آن هدف اصلی گم شد.

کیهان: به نظر شما چرا تأسیس دوره راهنمایی به اهداف خود نرسید، یعنی با بازار کار گره نخورد و ناموفق ماند؟

دکتر نوایی نژاد: قرار بود با آموزش‌هایی که در این دوره به دانش آموزان می‌دادند، خروجی‌ها جذب بازار کار، اعم از صنعت یا حرفه‌ای خاص شوند و ارتباطی تنگاتنگ بین بازار کار، صنعت و آموزش کشور ایجاد شود، اما در عمل این طور نشد، چون در بخش آموزش و ارتباط، درست کار نشد. مسؤولان آن زمان، کار را در سطح کلان کشوری و بیش از توان آموزشی گرفتند و در نتیجه، این شیوه در سطح کلان هم شکست خورد.

کیهان: از ادامه تحصیلتان در دوره دکتری بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: سال ۱۳۵۳، زمانی که عضو هیأت علمی دانشگاه بوم، برای ادامه تحصیل در همین رشته مشاوره و راهنمایی به آمریکا رفتم و بعد از سه سال در رشته روان‌شناسی مشاوره، PH.D گرفتیم و سال ۱۳۵۶ به ایران برگشتم.

کیهان: چرا در مقوله «مشاوره و راهنمایی» به عنوان یک شیوه علمی و کاربردی، نظریه پردازی نکرده‌ایم؟

دکتر نوایی نژاد: ما معمولاً قدر چیزهایی را که داریم نمی‌دانیم، روی داشته‌ها و گنجینه‌هایی که داریم کار نمی‌کنیم تا آن دانسته‌ها را به صورتی کاربردی و جذاب، توأم با نظریه پردازی به دنیا ارائه کنیم. ما همه چیز را می‌خواهیم به صورت فردی پیش ببریم، در حالیکه اکثر کشفیات و ابداعات دنیا نتیجه کار گروهی است.

کیهان: رساله پایان تحصیلی تان در چه موضوعی بود؟

دکتر نوایی نژاد: عنوان پایان نامه دکتری ام «مقایسه دو روش آموزش مستقیم و آموزش الگودهی برای آماده سازی مراجعان جهت دریافت بهینه خدمات مشاوره» بود. آنجا این دو روش را مقایسه کرده بودم.

کیهان: نتیجه این مقایسه چه بود؟

دکتر نوایی نژاد: این که روش الگودهی اثرش خیلی بیشتر از آموزش مستقیم است. کیهان: از فعالیت‌هایی که پس از اخذ دکتری و ورود به ایران داشتید بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: همانطور که عرض کردم، سال ۵۶ و در آستانه انقلاب به ایران آمدم و در دانشگاه به عنوان مدیر گروه مشاوره و راهنمایی مشغول کار شدم و در آن دوره کوتاه انقلاب فرهنگی به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کانون اصلاح و تربیت رفتم. آنجا کودکان و نوجوانانی را که مرتکب جرم شده بودند آموزش می‌دادند تا دوره زندانشان به پایان برسد و این برای من تجربه خوبی بود. حاصل این تجربیاتم بعدها در برنامه‌ای رادیویی با عنوان «راه زندگی» در سال ۱۳۶۰ روی آنتن رفت. آنجا در هر برنامه با یکی از بچه‌های

کانون اصلاح و تربیت مصاحبه می‌شد و شرح حالش را به صورت مصاحبه پخش می‌کردند.

کیهان: برنامه شما در رادیو به صورت میزگرد بود؟

دکتر نوایی نژاد: در آن برنامه یک مصاحبه گر، مصاحبه را انجام می‌داد و من همراه با آقای دکتر غفاری عضو دیوان عالی کشور صحبت می‌کردیم. آقای دکتر غفاری انگیزه شناسی جرم و مسایل حقوقی را بررسی می‌کردند، من هم نقش خانواده و کوتاهی‌های والدین را در زمینه کشانده شدن کودکان و نوجوانان به بزهکاری و جرم و خلاءهای موجود در خانواده‌ها را که زمینه ساز جرم است تحلیل می‌کردم. با این که برنامه‌های رادیویی معمولاً فصلی است، اما این برنامه سه سال روی آنتن بود و مردم نمی‌گذاشتند برنامه قطع شود. با این برنامه خیلی از نوجوانان بزهکار به خانواده‌هایشان برگشتند.

کیهان: آیا آن زمان همه مدارس در دوره راهنمایی راهنما و مشاور تحصیلی داشتند؟

دکتر نوایی نژاد: قانون مقرر کرده بود که در همه مدارس راهنمایی مشاور باشد و به همین خاطر به تدریج دانشگاه‌های دیگر هم دو سه سال بعد از دانشگاه تربیت معلم، شروع به تربیت و آموزش مشاور کردند اما زمان کافی برای این کار نداشتیم و به همین خاطر مجبور بودیم دوره‌های کوتاه مدت و فشرده ۲۱۰ ساعته یا ۱۲۰ ساعته آموزش مشاوره در استانها بگذاریم تا هیچ مدرسه‌ای بدون مشاور نباشد.

کیهان: مشاوره‌ها بیشتر در جهت راهنمایی شغلی بود یا شامل موضوعات اخلاقی و رفتاری دانش آموزان هم بود؟

دکتر نوایی نژاد: ما تأکیدمان در درجه اول بر مشاوره تحصیلی بود ولی در عمل احساس می‌کردیم نمی‌شود تنها به مشاوره تحصیلی صرف اکتفا کنیم و باید از نظر شخصیتی و روانی هم به دانش آموزان مشاوره بدهیم، ولی مشاوران ما از نظر کیفیت ضعیف بودند و این هم یکی دیگر از نقص‌های کارمان بود. همانطور که گفتم، ما باید ابتدا کار را آزمایشی و محدود انجام می‌دادیم و بعد به گسترش فکر می‌کردیم، اما کار را کلان گرفتند و کلان هم سقوط کرد.

کیهان: مشاوره و راهنمایی به شکل جدید و به عنوان یک شیوه خاص آموزشی و شغلی از چه زمانی در جهان متداول شد؟

دکتر نوایی نژاد: موضوع راهنمایی به عنوان هدایت، در مکاتب تربیتی همیشه وجود داشته، اما راهنمایی به مفهوم خاص و در امور شغلی، در سال

۱۹۰۸ میلادی در آمریکا با تأسیس دفتر راهنمایی حرفه‌ای در بوستون و توسط «فرانک پارسونز» شروع شد. در سال ۱۹۰۰ میلادی انبوه مهاجرانی که از نقاط مختلف دنیا به آمریکا می‌آمدند، با مشکلات اقتصادی اجتماعی زیادی از جمله مشکل بیکاری مواجه بودند و در همه زمینه‌ها بویژه در زمینه‌های شغلی نیازمند کمک و راهنمایی بودند. هدف پارسونز هم کمک به خودشناسی و هماهنگی بین خصوصیات فردی و ویژگی‌های شغلی بود. به این ترتیب این رشته با راهنمایی شغلی شروع شد، بعد از آن خدمات راهنمایی به صورت علمی در مدارس و مؤسسات تربیتی و آموزشی آمریکا و کشورهای دیگر رواج پیدا کرد.

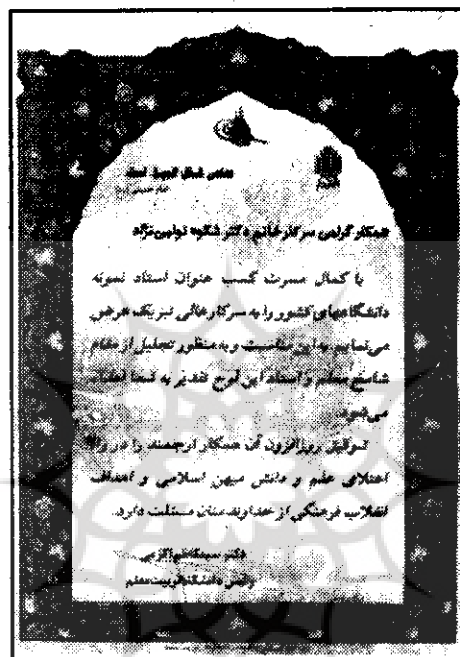
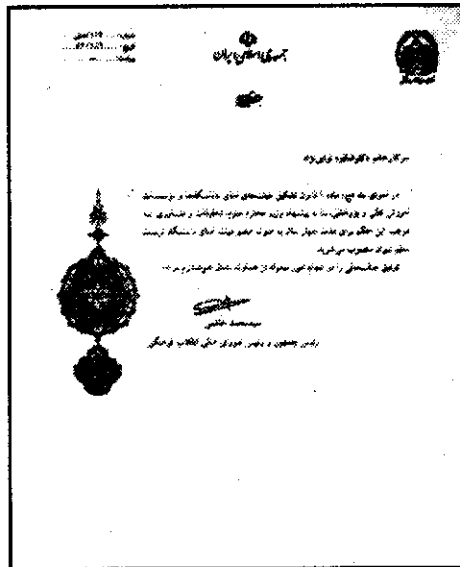
کتابخانه: درباره پیشینه راهنمایی و مشاوره در کشورمان هم توضیح بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: از نظر مفهومی، ما قدیمی‌ترین کشور و به نوعی بنیانگذار راهنمایی و مشاوره در جهان هستیم، پس از اسلام هم می‌دانید که قرآن کریم مسلمانان را به مشاوره در امور فرمان داده است و از این نظر، رهنمودهای قرآن کریم و احادیث ائمه (ع) چارچوبی قوی برای کار ماست. ادبیات هزارساله ما هم که برگرفته از تعالیم اسلامی است، سرشار از مفاهیم راهنمایی و اهمیت مشاوره در زندگی فردی و جمعی است. ما خوشبختانه از نظر فلسفی و تعاریف بنیادی در زمینه مشاوره و راهنمایی بسیار غنی هستیم، اما عمر این مقوله به عنوان یک رشته تحصیلی در ایران، به حدود ۴۰ سال پیش برمی‌گردد.

البته بعد از پیروزی انقلاب، یک وقفه ده ساله در این روند داشتیم و آن هم زمانی بود که آقای دکتر شکوهی وزیر شدند و موقتاً این برنامه را از دانشگاه‌های کشور حذف کردند تا جنبه‌های مختلف آن با فرهنگ، اصالت‌ها و ارزش‌های جامعه ما بیشتر مأنوس شود. در سال ۱۳۶۷ مجدداً گروه‌های مشاوره در دانشگاه‌ها فعال شدند و اقدام به پذیرش دانشجو کردند.

کتابخانه: با این توصیف، چرا ما در مقوله مشاوره و راهنمایی به عنوان یک شیوه علمی و کاربردی نظریه‌پردازی و اجتهاد نکرده‌ایم؟

دکتر نوایی نژاد: این کار دلایل متعددی دارد، یک دلیل آن این است که ما معمولاً قدر چیزهایی را که داریم نمی‌دانیم و این امر متأسفانه به صورت یک روال درآمد، دلیل دیگر این که ما به خاطر تنبلی فکری، روی داشته‌ها و گنجه‌هایی که داریم کار نمی‌کنیم (وقت و انرژی نمی‌گذاریم تا با سرمایه‌گذاری روی آنها، آن داشته‌ها را به صورتی کاربردی و جذاب و توأم با نظریه‌پردازی به دنیا ارائه



کنیم. این است که دیگران با اقتباسهایی که از همه جای دنیا می‌کنند، نظریه‌پردازی می‌کنند و در نتیجه مطالب را به نام خودشان ثبت می‌کنند. ضعف دیگر ما در کار گروهی است؛ ما همه چیز را می‌خواهیم به صورت فردی پیش ببریم، در حالیکه اکثر کشفیات و ابداعات دنیا نتیجه کارهای گروهی است. ما حتی در کارهای گروهی هم می‌خواهیم فردیت خودمان را نشان بدهیم و این خیلی بد است و ما را از قافله علم عقب‌نگه می‌دارد.

کتابخانه: برای برون‌رفت از این وضعیت بویژه در مورد رشته تخصصی شما مشاوره و راهنمایی، چه باید کرد؟

دکتر نوایی نژاد: من معتقدم رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های ما مظلوم واقع شده‌اند، و باید با برنامه‌ریزی، اختصاص بودجه خاص و همکاری افراد دلسوز و پشتوانه‌ای حمایت‌گر از جانب مسؤولان، ضعف‌هایمان را به سرعت جبران کنیم تا فاصله علمی ما با جهان، جهش‌وار کم شود. به هر حال، غلبه بر این ضعف‌ها، تشکیلاتی مرکب از نخبگان می‌خواهد که آنها افراد

دلسوز واقعی و علاقه‌مند به پیشرفت کشور و در عین حال دارای نگاه اخلاقی و ارزشی را جذب کنند تا به پیشرفت علمی کشور شتاب بدهند.

کتابخانه: حضرت عالی سالها خارج از ایران تحصیل و کارآموزی کرده‌اید، آیا در رشته مشاوره و راهنمایی در آمریکا هم توجه به اخلاق و ارزشها در رشته مشاوره و راهنمایی جایگاهی دارد؟

دکتر نوایی نژاد: اخلاق مشاوره در غرب از مهمترین دروس مشاوره است و در کشور ما این درس، جزو دروس اختیاری است! تازه، این درس را ما با کوشش‌های زیاد - چون در شورای گسترش بودیم - جزو دروس اختیاری این رشته گذاشتیم. بعضی‌ها می‌گفتند: چون ما درس معارف داریم، دیگر لزومی ندارد که درس اخلاق مشاوره و اخلاق حرفه‌ای مشاوره هم برای دانشجویان در این رشته داشته باشیم. شما اگر تحقیق کنید متوجه می‌شوید که جز در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی که خود من آنجا اخلاق مشاوره درس می‌دهم، در هیچ جای دیگر در این رشته درس اخلاق مشاوره نمی‌دهند! در حالیکه مشاوره، رشته‌ای بدون مرز نیست و ما باید در چارچوب ارزشی خودمان آن را استخدام کنیم. ما متأسفانه در دانشگاه‌هایمان منبعی نداریم که زیربنای اخلاقی را به طور عملیاتی بر ایمان تعریف کند تا من به عنوان یک استاد دانشگاه، یک مادر و یک همسر، آن را به بفهمم و اجرا کنم. اخلاق حرفه‌ای در رشته مشاوره و راهنمایی باید پررنگ باشد و نیست. ما در حد پند و اندرز مطالب زیادی داریم ولی این پند و اندرزها موجب تغییر رفتار نمی‌شود در حالی که ارزش‌های اخلاقی باید درونی شود.

کتابخانه: اگر بخواهید به دانشجویان به عنوان یک منبع اخلاق مشاوره کتابی را معرفی کنید، چه اثری در ذهنتان هست؟

دکتر نوایی نژاد: من به کتاب اخلاق آقای مصطفوی ارجاع می‌دهم، در حالی که خودم هم نسبت به آن کتاب نقد دارم، چون اولاً خیلی قدیمی است و به روز نیست. ثانیاً بیشتر حالت پند و اندرز دارد.

کتابخانه: به نظر شما درونی شدن ارزش‌های اخلاقی از چه طریقی بهتر صورت می‌گیرد؟

دکتر نوایی نژاد: به نظر من، روش‌های غیر مستقیم بیشتر جواب می‌دهد، مثلاً آثاری که در قالب‌های هنری اعم از فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی آرایه می‌شوند تأثیرگذارترند.

کتابخانه: در یک داوری کلی، چه تفاوت

شاخصی بین مراجعانتان در ایران با

مراجعان غربی تان دیده اید؟

دکتر نوایی نژاد: تفاوت های فرهنگی و اجتماعی ما با غربی ها در مشاوره و مراجعان هم نمود دارد. در ایران، خانواده ها و بخصوص زنها و دختر خانم ها ترجیح می دهند با مشاوران زن مشکلاتشان را در میان بگذارند. خانم های ایرانی دوست ندارند مسایل خصوصی زندگیشان را برای یک مرد مشاور تعریف کنند، چون این کار، شرعاً، اخلاقاً و عرفاً اشکال دارد و فرهنگ ما چنین چیزی را نمی پذیرد.

کمیته: اما عملاً در مراکز مشاوره ما،

آقایان هم به خانم ها مشاوره می دهند.

دکتر نوایی نژاد: بله، یکی از کارهایی که مادر اوایل تأسیس مراکز مشاوره انجام دادیم این بود که گفتیم در مراکز مشاوره، باید مشاور زن هم باشد، چون همه مراکز دست آقایان بود!

حالا بعضی خانمها پیش مشاور مرد هم می روند و روابط و مسایل خصوصی زندگیشان را با آنها در میان می گذارند و این بسیار آسیب زاست. ببینید! من یکی از مشاوران با سابقه کشورم، بیش از سی سال تجربه کار کلینیکی و

تدریس و تحقیق دارم،

می دانم که مشاوره خانم ها

با جنس مخالف چقدر

خطر دارد و چه اندازه آفت

زاست مسایل غیر اخلاقی

و حتی ضد اخلاقی فراوانی

در این گونه مراکز مشاوره

سراغ دارم، مشاور تنها

کسی است که در حضورش

هیچ نکته ای پنهان

نمی ماند. وقتی خانمی به

من مراجعه می کند و از

زندگی زناشویی اش اظهار

ناراحتی می کند، من باید در

تمام ابعاد زندگی با او

همراه شوم تاریخ مشکلات را پیدا و درمان کنم،

حتی مسایل جنسی اش را باید بدانم، چون اینها

متغیرهای مهمی هستند. مشکلات در کلان فرق

نمی کند، ولی وقتی به جزئیات می رسند، تفاوت

پیدا می کنند. همان طور که گفتم، مشاور از شوهر و

مادر یک خانم به او نزدیک تر است. بنابراین،

مشاور باید خیلی ساخته شده باشد، چون هوای

نفس، پول و مسایل دیگر، آسیب های خیلی زیادی

وارد می کند. این طور هم نیست که تصور کنیم

مشاوره همیشه چیز کاملاً خوبی است، مشاوره مثل

می بینند کلان است و آسیبی نیست که به راحتی بشود آن را مرمت کرد.

کمیته: در حال حاضر چه مرجعی

عهده دار نظارت بر مراکز مشاوره و تخلفات

آنهاست؟

دکتر نوایی نژاد: این کار به عهده سازمان نظام

روان شناسی و مشاوره کشور است که خوشبختانه

حالا با مصوبه مجلس شورای اسلامی مشغول سرو

سامان دادن به مراکز مشاوره است؛ یعنی مجوزها

کنترل و بازنگری می شوند و به تخلفات و شکایت

رسیدگی می کنند. البته این کافی نیست. مطبوعات و

بخصوص رسانه ملی باید در این زمینه کمک کنند.

رسانه ها باید به صورت مستمر به مردم هشدار بدهند

و آنها را از حق و حقوق قانونی شان در مشاوره آگاه

کنند. به مردم آموزش بدهند که مشاوره چیست، به

کجا باید مراجعه کنند، حد مشاوره کجاست و

مداخلات مشاور در کجا غیر اخلاقی است؟ چون در

گوشه و کنار کشور، افراد ساخته نشده ای هستند که

ممکن است از موقعیت شغلی خودشان به عنوان

مشاور، سوء استفاده کنند، خصوصاً حالا که تب

مشاوره در برخی قشرها و خانواده های ایرانی بالا

گرفته است. همانطور که قبلاً

عرض کردم، باز هم تأکید

می کنم که رسانه ملی در این

میان وظیفه سنگینی به عهده

دارد. مثلاً تشکیل

میزگردهایی روشنگر و

هشدار دهنده با حضور

صاحب نظران در تلویزیون،

بخصوص در ساعت های

زنده، یعنی زمانی که

خانواده ها پای تلویزیون

هستند، می تواند خیلی

کارساز باشد.

کمیته: یکی از

معضلات خانوادگی

در شرایط حاضر،

مشکل طلاق به علت عدم شناخت یا شناخت

ناکافی از یکدیگر است. زمانی که هنوز

تکنولوژی های جدید همراه ضمايم فرهنگی

آنها، خانواده های ایرانی را تغییر نداده بود.

مردم مطابق سنت های خودشان که انتخاب

را تسهیل می کرد ازدواج می کردند اما در

زندگی شهرنشینی امروز، افراد در کنار هم و

غریبه هستند، شناخت ها ناقص و اندک

است، در محیط غریب هم آن نشانه های

شناسایی گم می شود، در چنین شرایطی،

کمیته: در حال حاضر چه مرجعی

عهده دار نظارت بر مراکز مشاوره

و تخلفات آنهاست؟

دکتر نوایی نژاد: این کار به عهده

سازمان نظام روان شناسی و

مشاوره است که خوشبختانه حالا

با مصوبه مجلس شورای اسلامی،

مشغول سرو سامان دادن به مراکز

مشاوره است.



○ سخنرانی دکتر نوایی نژاد در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در ملازی

چاقوی تیزی است که اگر دست آدم ناشایستی بیفتد

ممکن است آسیب های جدی به دیگران وارد کند،

من خیلی اوقات با خواندن گزارش ها و شکایاتی

که از برخی مشاوران می شود، آنقدر از پیامدهای

فاجعه بار مشاوره خانواده ها با بعضی از مشاوران

ساخته نشده ناراحت می شوم که پشتم می لرزد و

با خودم می گویم: ای کاش دستور بدهند اصلاً

مراکز مشاوره برچیده شود! درست است که

بسیاری از خانواده ها و افراد از مراکز مشاوره بهره

می گیرند، اما از آن طرف، آسیب هایی که بعضاً

پیوندهای زناشویی صورت گرفته، پایدار نمی‌مانند. به همین خاطر مفهوم طلاق در جامعه امروز با مفهوم آن در جامعه قدیم فرق می‌کند.

به نظر شما مشاوره قبل از ازدواج می‌تواند این نقص را جبران کند؟

دکتر نوایی نژاد: به نکته مهم و خوبی اشاره کردید. درست است، وقتی شناخت طرفین از یکدیگر کافی نیست، حتماً باید ازدواج با مشاوره یک متخصص امین انجام شود، به خاطر این که طرفین ازدواج و پدر و مادر آنها، غالباً از نظر علمی نمی‌توانند در حلی باشند که تشخیص بدهند طرف آنها چگونه آدمی است. من به جرأت می‌گویم یکی از ابعاد خیلی با ارزش مشاوره در مورد ازدواج است. واقعاً یکی از کارهایی که دولتمردان ما باید انجام بدهند این است که دختر و پسر را که مشاوره ازدواج نکرده‌اند، تنها با یک آزمایش خون به یک زندگی مشترک نفرستند، چون نتیجه‌اش همین آمارهای بالای طلاق است. مثلاً در دانشگاهها دختران و پسرايي به هم علاقه مند می‌شوند و تصمیم به ازدواج می‌گیرند، در حالی که از نظر فرهنگی همدیگر را نمی‌شناسند در این گونه موارد، یک مشاور متخصص و امین خیلی چیزها را می‌بیند که خود آنها و خانواده‌هایشان نمی‌بینند.

کتابخانه: آیا مواردی بوده که شما به عنوان یک مشاور و متخصص صراحتاً رأی منفی به ازدواج دو جوان داده باشید؟

دکتر نوایی نژاد: بله، بعضی خانواده‌ها به من مراجعه می‌کنند و می‌گویند: ما حق و تو را به شما واگذار کرده‌ایم و من در مواردی با صحبت‌هایی که با طرفین کرده‌ام، جوابم منفی بوده، متأسفانه این جنبه پیشگیرانه از فاجعه طلاق، در حال حاضر محدود و کم‌رنگ است و غالباً مردم بعد از طلاق یا در صورت پیدا شدن مشکلات سراغ ما می‌آیند.

کتابخانه: با تجربیات کلیتیکی سی ساله‌ای که شما در موضوع مشاوره و راهنمایی دارید، بیشترین عوامل جدایی‌ها و طلاق عاطفی را در چه اموری دیده‌اید؟

دکتر نوایی نژاد: به نظر من، ارتباط ناسالم، سوء ارتباط، عدم ارتباط، قهرهای طولانی، صحبت نکردن با یکدیگر، همدلی نداشتن همسران، بیکاری، پنهان کاری، توقعات بی‌جا از همدیگر، اعتیاد، مشکلات مالی و بی‌حرمتی‌ها، آفت‌های زندگی زناشویی و از عوامل عمده طلاق‌های رسمی، عاطفی و اختلافات اند. من خاطرات فراوانی از این گونه مراجعین در ذهن دارم. کتابخانه: این خاطرات را به عنوان یک

کتابخانه: یکی از مشکلات جامعه ما، تاخیر در ازدواج به خاطر موانعی است که بر سر راه این امر مقدس وجود دارد، فاصله بلوغ جنسی تا بلوغ اقتصادی و لاجرم ازدواج جوانان در جامعه شهری ما خیلی زیاد شده و گویی ما این فاصله بحرانی و حساس را عملاً به شیطان وا گذاشته‌ایم!

دکتر نوایی نژاد: این موضوع برای جامعه ما واقعاً یک مشکل بزرگ است. باید سطح توقعات بی‌مورد را در جوانان و خانواده‌ها پایین بیاوریم و با تدابیر لازم و فرهنگ‌سازی، ازدواج‌های توأم با شناخت، اما ساده، صمیمانه و حمایتی را گسترش بدهیم تا جامعه روی آرامش بییند و میزان جرم و جنایت‌های اخلاقی کم‌شود.

تجربه مفید کاری برای برنامه‌ریزی یا انتقال تجربیات به دیگران جایی نوشته‌اید؟
دکتر نوایی نژاد: من ۴۰۰ هزار پرونده مشاوره دارم و می‌ترسم عمرم قد نهد که بنشینم و آنها را مرور کنم و خاطرات و تجربیاتم را از آنها برای دیگران بنویسم چند نفر از دانشجویانم به من گفته‌اند که این خاطرات و تجربیات را در حین رانندگی به صورت شفاهی بگویم و ضبط کنم و بعد آنها نوارها را پیاده کنند تا به عنوان تجربه‌های یک مشاور باقی بمانند؛ باور کنید هر کدام از آنها می‌توانند مبنای یک فیلم، رمان یا سریال قرار بگیرد، مسایلی که واقعیت‌های عجیب و غریب زندگی ماست و دو تایی آنها شبیه هم نیستند، باور می‌کنید؟

کتابخانه: از نظر مقررات، آیا مشاوران می‌توانند مطالب گفته شده بین خودشان و مراجعان را ضبط کنند؟

دکتر نوایی نژاد: خیر، مشاور حق ضبط صدا و فیلم برداری از جلسه مشاوره را ندارد.

کتابخانه: یکی از مشکلات عمده در

مدارس و به ویژه در مقطع راهنمایی دختران، موضوع دلبستگی‌های عاطفی و گاه افراطی دختران به همسالان یا به معلمان خودشان است که گاه شکل بیمارگونه‌ای به خود می‌گیرد و بعضاً سوء تفاهماتی را برمی‌انگیزد، حضرت عالی در این مورد چه نظر و رهنمودی دارید؟

دکتر نوایی نژاد: اجازه بدهید من ابتدا تجربه‌ای را که خودم در این مورد به عنوان یک مشاوره داشته‌ام بیان کنم، اوایل انقلاب، من در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بودم، آنجا ضمن کارهای مشاوره‌ای تحقیق هم می‌کردم و کتاب می‌نوشتم. تحقیق اول من درباره مشکلات رفتاری دانش‌آموزان بود. یک روز خانمی از مدیران یک مدرسه پیش من آمد و گفت: می‌خواهم موضوعی خصوصی را با شما مطرح کنم و اضافه کرد: مدرسه ما ۸۰۰ دانش‌آموز دارد و من معتمد از این تعداد، حداقل ۵۰۰ نفر اختلال جنسی دارند! این حرف برای من خیلی عجیب و غریب بود، گفتم: به چه دلیل شما به چنین تشخیص و آماری رسیده‌اید؟ گفت: برای این که اینها همجنس‌گرا هستند! گفتم توضیح بدهید بینم آنها چکار می‌کنند؟ این بچه‌ها یا معلمین شان را دوست دارند یا شاگردان کلاس بالاتر از خودشان را، مثلاً یکی از آنها عاشق کاپیتان تیم والیبال مدرسه است. خندیدم و گفتم: نه، اینها اختلال جنسی به آن صورتی که می‌گویید ندارند. علاقه غیر جنسی به همجنس قبل از علاقه به جنس مخالف در سنین خاصی در نوجوانان بویژه در دختران، امری طبیعی است. بعد از آن خانم خواستم در جلسه‌ای که به همین منظور در جمع مدیران مدارس دخترانه دارم شرکت کند. در آن جلسه هم گفتم: در یک دوره‌ای بچه‌ها همه چیزشان هم سن و سال‌های خودشان است و کلام آنها را بر کلام پدر و مادرشان ترجیح می‌دهند. پدر و مادرها و مسئولان آموزشی باید تحمل کنند، این اقتضای سن آنهاست، گاهی اوقات فرزندان حوصله ما را ندارند، نباید پيله کنیم چون روابط مان بد می‌شود. بهتر است در این گونه موارد مادر به جای تحکم به دخترش مثلاً بگوید: هر وقت حوصله داشتی مامان می‌خواهد با تو صحبت کند. مادران باید روابط شان را با دختران عاطفی و صمیمانه کنند تا دخترشان احساس فشار و تنیدگی نکند.

کتابخانه: آیا شکل افراطی علاقه دانش‌آموزان دختر به همکلاسی‌ها یا بعضی از معلمین شان ممکن است به خاطر علل خاصی باشد؟

دکتر نوایی نژاد: بله، علاقه شدید و افراطی دختران

به یکدیگر یا معلمین علل مختلفی دارد، یکی از آنها کمبود عاطفه و محبت در خانواده و بخصوص رابطه مخلوش دختر و مادر در سال های اولیه زندگی کودک است که برای او امنیت روانی و اعتماد به نفس ایجاد می کند. این کار با نوازش کردن، بوسیدن، لمس کردن و در آغوش گرفتن کودک صورت می گیرد. روابط عاطفی مادر و کودک در دوران بارداری و پس از زایمان، در عدم ابتلا به این گونه گرایش های افراطی بسیار مؤثر است، از طرفی، در سن بلوغ، مادران و دختران از هم دور می شوند، دختران مثل پسران دوست دارند بیشتر اوقاتشان را با همسالان خودشان بگذرانند تا کسانی که به آنها امر و نهی می کنند. در این شرایط، والدین و بخصوص مادران باید با خوش اخلاقی و تقویض برخی از اختیارات توأم با مسئولیت به دختران و نظارت، در آنها نسبت به خود ایجاد اعتماد کنند تا دخترشان ضمن احساس شخصیت و استقلال، درک کنند که مادر، همیشه بهترین پناهگاه و پشتوانه است. یکی دیگر از اموری که به این گونه مسایل دامن می زند، رفتار متقابل معلمین است که موجب استمرار و تشدید این علایق در دختران می شود. گاهی کسانی که مورد توجه این گونه دانش آموزان قرار می گیرند، با اغواگری هایی باعث تشدید این علایق می شوند و بر سیستم روانی و حتی کیفیت تحصیل دانش آموزان تأثیر منفی می گذارند و آنها را به ورطه های جسارت آمیزی می کشانند. مثلاً فرض کنید ۱۰ نفر از دانش آموزان دختر یک مدرسه، یکی از معلمین خودشان را دوست دارند، این خانم به دو نفر از آنها بیشتر توجه می کند، بقیه در یک شرایط حسادت آمیز، تلاش می کنند با دادن هدیه های گرانقیمت، توجه آن معلم را به خودشان جلب کنند و این روند به یک بیماری تبدیل می شود. خانم معلمی به من گفت: یکی از شاگردانش النگوی طلای مادرش را برای من آورده بود!

کتاب: در چنین مواردی، آموزگاران با چه تمهیداتی می توانند از این گونه علاقه های افراطی دانش آموزان پیشگیری کنند؟

دکتر نوایی نژاد: آموزگاران می توانند در این موارد، دانش آموزان را توجیه کنند که مثلاً شما برای ویژگی هایی مرادوست دارید، پس سعی کنید، مثل من باشید، من چند ویژگی مثبت دارم، مثلاً هفته ای یک کتاب می خوانم، نظم دارم، در کارهایم با جدیت عمل می کنم و به بهداشتم خیلی اهمیت می دهم. با این تمهیدات معلم عزیز می توانند هم موجبات رشد و آموزش آن دانش آموز را فراهم کنند و هم وابستگی شدید عاطفی و مرضی آنها را مهار کنند.

نقطه آسیب پذیر ما، در آموزش های غیر رسمی و فرآیندهای بویژه در آموزش به خانواده ها و مربیان چیست؟

دکتر نوایی نژاد: فقدان یک شیوه هماهنگ و گسترده در سازمان ها، موسسات و نهادهای فرهنگی کشور، نقطه آسیب پذیر ماست. تعلیمات ما، در حال حاضر دارای تناقض و تعارض اند.



کتاب: بهره مندان از خدمات مشاوره ای در ایران، بیشتر از چه قشری هستند.

دکتر نوایی نژاد: در حال حاضر، طبقه مرفه جامعه از مشاوره متخصص استفاده می کنند و طبقات غیر مرفه، از مشاوره با افراد غیر متخصص بهره می برند، یکی از اشکالات ما در حال حاضر این است که خدمات مشاوره، جزو خدمات درمانی محسوب نمی شود و این ظلم به اکثریتی است که با نیاز شدید به مشاوره به دلیل عدم تمکن مالی از خدمات مشاوره ای محرومند. به نظر من، خدمات مشاوره ای هم باید با دفترچه خدمات درمانی امکان پذیر باشد تا قشر وسیع و دردمند جامعه هم بتوانند از خدمات مشاور متخصص برخوردار شوند.

کتاب: در گستره دانش مشاوره و راهنمایی، «مشاوره خانواده» و «خانواده درمانی» چه جایگاهی در آموزش دانشگاهی مادر دارد؟

دکتر نوایی نژاد: مشاوره خانواده و خانواده درمانی نسبت به مشاوره شغلی، تحصیلی و ازدواج، متأخر است و از نظر اهمیت، یکی از رشته های مورد نیاز جوامع امروز است. البته در دانشگاه، رشته ای با عنوان خانواده درمانی نداریم، ولی دانشجویان رشته مشاوره، در طول فرآیند تحصیلی، نظریه های مشاوره خانواده و خانواده درمانی را یاد می گیرند و وقتی به مقطع دکتری می رسند، اگر پایان نامه هایشان را به سمت خانواده درمانی سوق بدهند، ما در سازمان نظام روان شناسی و مشاوره، گواهی و مجوز مشاوره خانواده به آنها می دهیم.

کتاب: در کتاب «روان درمانی گروهی»

۱۱ نظریه مهم روان درمانی را مطرح کرده اید، این نظریه ها تا چه حد جهان شمول اند و می توانند در مسایل و مشکلات روان درمانی در ایران کارساز و مؤثر باشند؟

دکتر نوایی نژاد: یکی از وجوه تمایز من با خیلی از همکاران خودم این است که همیشه گفته ام هیچ وقت تصور نکنید مشاوره و نظریه های مشاوره، بدون مرزند، اتفاقاً مشاوره چون ریشه در تاریخ، فرهنگ، دین و ابعاد گوناگون یک جامعه دارد، نمی تواند بدون مرز باشد. قبلاً هم به این موضوع اشاره کردم؛ در دانشگاه، من همه نظریه های مشاوره و خانواده درمانی را به دانشجویان یاد می دهم، اما تحلیل می کنم که مثلاً کدامیک از این نظریه ها در جامعه ما جواب می دهد و کدامیک نمی تواند در کشور کار کاربرد مثبتی داشته باشد. بنابراین، نظریه های مشاوره نمی توانند جهان شمول باشند. من همواره به دانشجویانم تأکید می کنم که بعضی از تکنیک های مشاوره را هیچ وقت برای خانواده های ایرانی به کار نگیرید، چون آسیب می رساند.

کتاب: به طور کلی در یک روند درمان

مشاوره ای در کلینیک، چه مراحل را طی می کنید؟

دکتر نوایی نژاد: من متناسب با نوع مشکل، سن، فرهنگ و حتی خرده فرهنگ مراجعانم از بین نظریه های مختلف، یکی را انتخاب و در ذهنم فرضیه سازی می کنم. البته می دانید که هر نظریه ای تکنیک و شیوه خاص خودش را دارد. بنابراین، دیدگاه من در درمان مشکلات مراجعانم، دیدگاهی انتخابی است.

کتابخانه: باتوجه به تجربیات کلینیکی طولانی‌تان، کدامیک از نظریه‌ها به مشکلات ما بهتر پاسخ داده و کاربرد بیشتری در مشاوره‌های شما داشته است؟

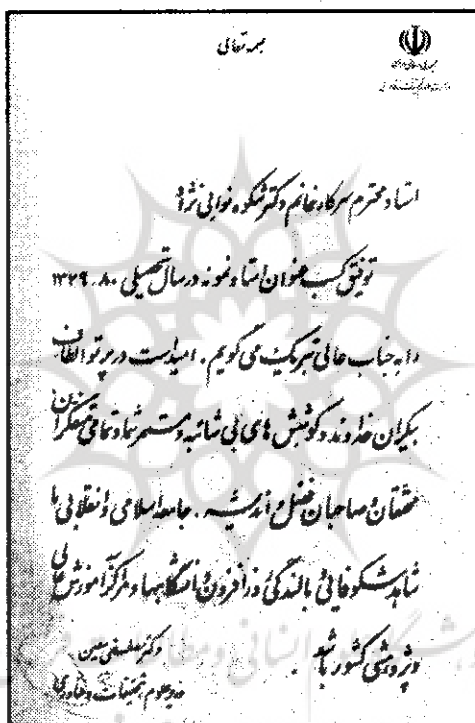
دکتر نوایی نژاد: نظریه‌ای که در جامعه ما کاربرد بسیاری دارد «نظریه شناختی» است. در این نظریه، تفکر منطقی به جای تفکر غیرمنطقی می‌نشیند. ما اعتقاد داریم اگر فرد درست فکر کند، احساس درستی هم پیدا خواهد کرد و این احساس درست، منجر به رفتار درست خواهد شد. بنابراین، «رفتار درمانی» در ایران خیلی خوب جواب می‌دهد.

کتابخانه: آیا خود شما هم باتوجه به شناختی که از جامعه ایرانی دارید و چنددهه در زمینه مشاوره تدریس و تجربه اندوخته‌اید، به تولید و ارائه نظریه خاصی در خانواده درمانی رسیده‌اید؟

دکتر نوایی نژاد: ببینید! ارایه یک نظریه جدید، کار ساده‌ای نیست؛ یک فکر یا تکنیک جدید، باید تمام جوانب و چارچوب‌های یک نظریه را داشته باشد و نمی‌توان بی‌گدار به آب زد. نظریه‌ها هدف، فرآیند، روش و تکنیک دارند و روی آنها مطالعات موردی شده و نظام یافته‌اند. از طرفی، خانواده درمانی در دنیا رشته‌ای جوان است. البته من در خانواده درمانی، دیدگاه‌های خاص خودم را دارم و در مورد هر نظریه‌ای هم که تدریس می‌کنم، موضع دارم و ارائه طریقی می‌کنم، ولی این اندیشه‌ها باید پخته‌تر شوند تا بتوانند در کنار نظریات دیگر ارائه شوند. من ضمن آن که معتقدم هیچ کدام از نظریه‌های خانواده درمانی غربی نمی‌توانند برای جامعه ما کاملاً مفید باشند، عقیده دارم که ما به یک دیدگاه جامع در خانواده درمانی ایرانی نیاز داریم، چون خانواده ما دارای فرهنگ پیچیده‌ای است و اصلاً تعریف ما از خانواده، جامعه و نقش زن در خانواده، با غرب متفاوت است. به همین خاطر در دوره دکتری «محدودیت‌های نظریه‌های خانواده درمانی و مشاوره در ایران» را برای دانشجویانم تدریس می‌کنم و مثلاً می‌گویم: این فکر منکی بر این تجربه‌ها، تحقیقات و مطالعات بالینی من است و آنها را ارائه می‌کنم.

کتابخانه: یکی دیگر از مشکلات جامعه ما، تأخیر در ازدواج به خاطر موانعی است که بر سر راه این امر مقلس وجود دارد؛ امری که به تعبیر پیامبر اکرم (ص) سلامت نیمی از دین انسان در گرو آن است. همان‌طور که مستحضرید فاصله بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی و لاجرم ازدواج جوانان در جامعه شهری ما خیلی زیاد شده و این فاصله، گاه به

□ من ۴۰۰ هزار پرونده مشاوره دارم و می‌ترسم که عمرم قد ندهد که بنشینم و همه آنها را مرور کنم و خاطرات و تجربیاتم را از آنها برای دیگران بنویسم... باور کنید هر کدام از آنها می‌تواند مبنای یک فیلم، رمان و یا سریال قرار بگیرد، مسایلی که واقعیت‌های عجیب و غریب زندگی ما است.



۱۰ تا ۱۵ سال می‌رسد، گویی ما این فاصله بحرانی و حساس را عملاً به شیطان واگذاشته‌ایم، چون هیچ راهکار مناسب و مطلوبی برای آن پیش‌بینی نکرده و سامان نداده‌ایم، به نظر جناب عالی برای این معضل که امنیت اخلاقی جامعه ما در گرو آن است، چه باید کرد؟

دکتر نوایی نژاد: این موضوع برای جامعه ما واقعاً یک مشکل بزرگ است. دانشجویان هم در مشاوره‌هایی که در دانشگاه یا من دارند، از مشکلاتشان در این دوره صحبت می‌کنند. آنها تحت فشارند که این فاصله طولانی‌تجربدر را چگونه طی کنند که رعایت اخلاق و مسایل شرعی هم بشود. به هر حال، جوانان در این دوره خیلی اذیت می‌شوند و گاهی به انحرافات دچار می‌شوند که آینده آنها را هم تیره می‌کند. من باتوجه به تجارب اجتماعی، علمی و کلینیکی خودم، راه حل این

مشکل بزرگ را در سنت‌های خوب گذشته خودمان می‌بینم؛ در گذشته خانواده‌های ما برای مصون ماندن فرزندان‌شان از انحراف جنسی و اخلاقی چه می‌کردند؟ آنها دختری را برای پسرشان خواستگاری می‌کردند و در همان خانه پدری یک اتاق به آنها می‌دادند و حمایت مالی می‌کردند تا زمانی که آنها تمکن مالی پیدا کنند و بتوانند به اصطلاح روی پای خودشان بایستند و خانه مستقلی بگیرند. منتها این کار نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. باید رسانه‌ها و به ویژه رسانه ملی با استفاده از همه قالب‌های هنری، فرهنگ سلوک مطلوب خانواده‌ها با عروس و بالعکس را آموزش بدهند تا خانواده‌ها عروس‌شان را مثل دخترشان دوست داشته باشند و با محبت از آنها حمایت کنند. ازدواج به این کیفیت در قشرهای مختلف جامعه اعم از دانشجو، سرباز و غیره، بسیاری از مشکلات جامعه ما را حل می‌کند، چون مانع تحصیل و خدمت سربازی و غیره نخواهد شد. ما می‌دانیم که از نظر فرآیند رشد، جوانان ما تحت فشار غریزه جنسی هستند. این یک امر بیولوژیکی و طبیعی است. نمی‌توانیم بگوییم غیر اخلاقی است. باید سطح توقعات بی‌مورد را در جوانان و خانواده‌ها پایین بیاوریم و با تدابیر لازم و فرهنگ‌سازی، از دواج‌های توأم با شناخت اما ساده، صمیمانه و حمایتی را گسترش بدهیم تا جامعه روی آرامش ببیند و میزان جرم و جنایت اخلاقی کم بشود، و گرنه جوانان ما به آفت‌های بسیاری دچار خواهند شد. من باز هم تأکید می‌کنم که رسانه‌های ما و به ویژه رسانه ملی باید اولویت را به این موضوع مهم بدهند.

کتابخانه: یکی دیگر از معضلات جامعه ما موضوع آموزش مسایل جنسی به شکل علمی و خالی از اغواگری و بدآموزی به نسل نوجوان و جوان برای پیشگیری از بسیاری از انحرافات است. در این زمینه هم رهنمود بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: این موضوع بسیار بسیار ظریف و حساس است. من از سال ۶۲ و عمدتاً از سال ۶۵، از جمله کسانی بودم که به این موضوع فکر می‌کردم و با گفت‌وگو با نوجوانان و جوانان، به نتایج جالبی رسیدم، از جمله این که روان‌شناسی در جامعه ما اگر می‌خواهد کاربردی باشد، باید در ارتباط با مسایل عینی جامعه و خانواده ایرانی باشد. من معتقدم تحقیقات روی طاقچه به درد مردم نمی‌خورد، علم باید بومی شود و چقدر خوب است که خانواده‌های ما روش‌های پیشگیری از انحرافات جنسی در نوجوانان و جوانان‌شان را بیاموزند.

من در آن مقطعی که اشاره کردم، به بسیاری از استان‌ها و روستاهای کشور رفتم و با بسیاری از خانواده‌ها صحبت کردم، متوجه شدم که برخی از مریبان تربیتی و شرعیات در مدارس، اطلاع‌رسانی به مخاطبان‌شان در زمینه بلوغ و مسایل جنسی را به شکل انحراف‌زا و تخریبی مطرح می‌کنند.

کتاب: زبان فقهی معمولاً زبانی عربی است و برای آموزش این گونه مسایل به نوجوانان و جوانان مناسب نیست.

دکتر نوایی نژاد: درحالی که شایسته است این بحث بسیار ظریف را به زبانی ساده اما در قالب یک حقیقت علمی - بهداشتی صرف و به عنوان بخشی از مراحل رشد و تکامل و بزرگ شدن انسان ارائه کنیم. این کار البته مهارت می‌خواهد. یکی از مشکلات این است که ما بلوغ را که یک واقعیت رشدی است، به یک «تابو» تبدیل کرده‌ایم، درحالی که این مطالب باید در کتاب‌های درسی ما باشد، منتها باید کار را به کسانی بسپاریم که اولاً روان‌شناسی دوران نوجوانی و بلوغ را بدانند، بعد هم آن مطالب را با زبانی قابل فهم اما علمی که تحریک‌آمیز نباشد بنویسند. باور کنید بسیاری از عادت‌های انحرافی دختران و پسران، درست از همان زمان بلوغ شکل می‌گیرد.

یادم هست در اوایل انقلاب که در کانون پرورش فکری و کانون اصلاح و تربیت بودم، با استفاده از تجربیاتم در گفت‌وگو با نوجوانان و جوانان، جزوه‌ای در مورد مسائل جنسی و دوران بلوغ نوشتم، بعد آن را برای چاپ به کانون پرورش فکری دادم، با وجود آن که رئیس کانون مرا می‌شناخت، از چاپ آن خودداری کرد و معتقد بود که هیچ انتشاراتی دیگری هم آن را چاپ نمی‌کند و راست می‌گفت. درحالی که شما اگر روبه روی دانشگاه بروید می‌بینید کتاب فروشی‌ها انواع و اقسام کتاب‌های ترجمه‌ای مربوط به روابط جنسی را با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ کرده و می‌فروشند!

کتاب: مشکل دیگری که جامعه شهری ما با رشد تکنولوژی‌های ارتباطی با آن درگیر است، موضوع فیلم‌هایی است که ارتباط جنسی زن و مرد را بی‌پرده و به اشکالی متنوع، انحرافی و اغواگرانه نشان می‌دهند. تماشای این گونه فیلم‌ها هم تنها محدود به افراد مجرد و جوان هم نیست و متأسفانه به بسیاری از خانواده‌ها هم سرایت کرده است. به نظر می‌رسد هر کس ذهنش درگیر این تصاویر شود، نمی‌تواند از آسیب‌های جدی آن تا زمانی دراز در امان

هم صلحه می‌زند.

کتاب: این برخورد شما تأثیر مثبتی هم داشته است؟

دکتر نوایی نژاد: بعضی از خانم‌ها در مراجعات بعدی‌شان می‌گفتند: صحبت‌های شما خیلی اثر گذاشته، بعضی‌ها هم می‌روند و ناپدید می‌شوند! کتاب: نظرتان درباره عملکرد انجمن اولیاء و مربیان و همان کارهایی که پس از پیروزی انقلاب با مشارکت شما و بسیاری دیگر از اهل تحقیق انجام گرفت چیست؟

دکتر نوایی نژاد: فعالیت‌های انجمن اولیاء و مربیان در سال‌های اولیه تأسیس بسیار پر بار و گسترده بود، اما متأسفانه در دهه اخیر، این فعالیت‌ها بسیار کند شده و مدت‌هاست که تنها کتاب‌هایی که در سال‌های اولیه تأسیس این نهاد نوشته یا ترجمه شده بود تجدید چاپ می‌شود! آن سال‌ها برای هر یک از مقاطع تحصیلی کتاب‌های خوبی نوشتیم. در پانزده ساله اول انقلاب، عملکرد رادیو هم خیلی قوی‌تر از تلویزیون بود و ما بسیاری از آموزش‌هایمان را در مورد تعلیم و تربیت و مشاوره، به صورت غیر مستقیم از این رسانه پخش می‌کردیم. انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی واقعاً روش‌های مبتکرانه‌ای را در آن سال‌ها برای پیشبرد اهداف آموزشی برای اولیاء و مربیان پیش گرفت. انجمن، جدای از انتشار کتاب‌های سودمند، ایجاد کلاس‌های جدی آموزش خانواده‌ها را هم به عهده داشت و علاوه بر اینها، چه در برگزاری همایش‌های سالانه و مرتبط با نیازهای والدین، و چه در زمینه مشاوره با خانواده‌ها، بسیار موفق عمل کرد، اما چند سالی است که دیگر خبری از آن شتاب و پویایی اولیه نیست و این جای تأسف دارد، چون بسیاری از کشورهای دنیا، مخصوصاً کشورهای همسایه ما به انجمن اولیاء و مربیان به عنوان یک الگوی خوب نگاه می‌کردند؛ اصلاً داشتن یک سازمان به نام انجمن اولیاء و مربیان وابسته به آموزش و پرورش که رئیس آن هم قائم مقام وزیر باشد، برای کشورهای دیگر خیلی جالب و مهم بود. برخی از تجربیات ما در این زمینه، در ۲۵ سال اخیر، حتی برای اولیاء و مربیان کشورهای غربی هم قابل طرح بود و من در سوئیس و کره این تجربیات را مطرح کردم و برای آنها بسیار جالب بود. امینوارم این نهاد با بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های جدید، دوباره به موقعیت سابق خودش برگردد.

کتاب: به نظر جناب عالی، نقطه آسیب‌پذیر ما در آموزش‌های غیر رسمی و فرآزمایشی بویژه در آموزش به خانواده‌ها و

□ یکی از کارهایی که ما، در اوایل تأسیس مراکز مشاوره انجام دادیم این بود که گفتیم در مراکز مشاوره باید مشاور زن هم باشد، چون همه مراکز دست آقایان بود!... من یکی از مشاوران با سابقه کشورم، می‌دانم که مشاوره خانم‌ها با جنس مخالف چقدر خطر دارد و چه اندازه آفت‌زاست.

□ من معتقدم تحقیقات روی طاقچه به درد مردم نمی‌خورد، علم باید بومی شود و چقدر خوب است که خانواده‌های ما روش‌های پیشگیری از انحرافات جنسی در نوجوانان و جوانانشان را بیاموزند.

باشد. حضرت عالی در این مورد چه دیدگاهی دارید؟

دکتر نوایی نژاد: متأسفانه دادگاه‌های ما هم در این زمینه کار زیادی نمی‌توانند بکنند. در بین خانم‌ها، من مراجعانی دارم که از این گونه موارد شکایت می‌کنند و می‌گویند: همسر ما این قبیل فیلم‌ها را می‌بیند و همان روابط را می‌خواهد. بعضی از این خانم‌ها که زمینه‌تلدین دارند، پیش من گریه می‌کنند و می‌گویند: شکایت هم کرده‌ایم ولی دادگاه اصلاً محل نمی‌گذارد! من در مشاوره‌هایم در این گونه موارد، ابایی ندارم که با همسران این خانم‌ها صحبت کنم و عوارض این گونه وضعیت انحرافی را در حضور هر دو عنوان کنم.

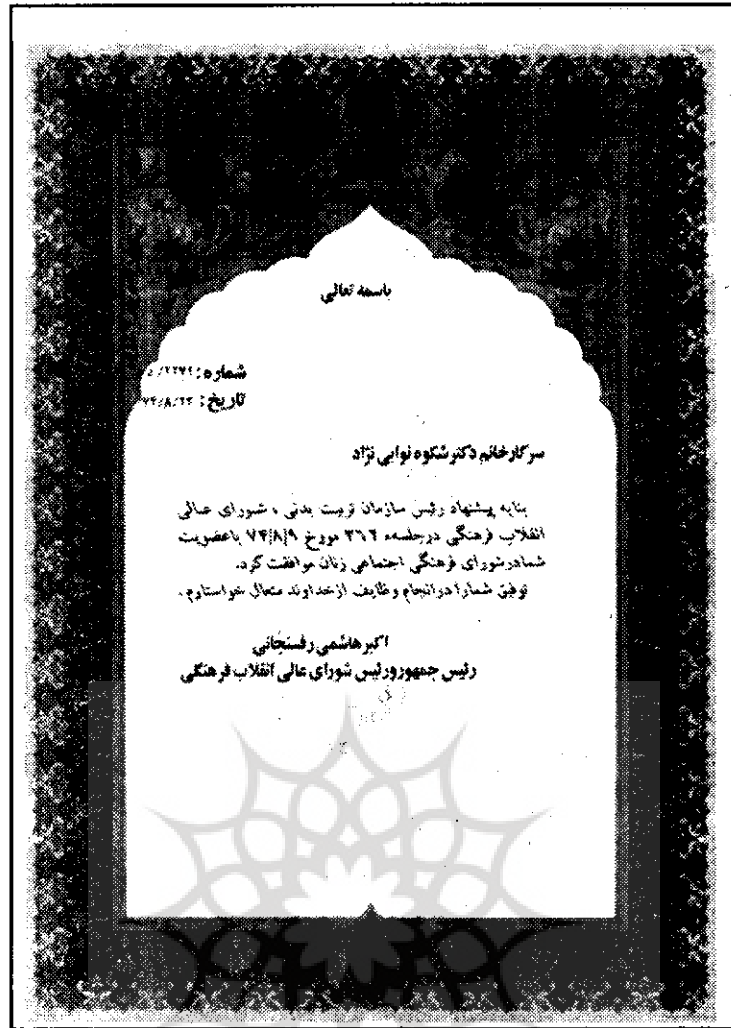
به او اطلاعات علمی می‌دهم و می‌گویم: اگر به اخلاق و دین هم اعتقاد نداری، به سلامتی جنسی و جسمی خودت که علاقه داری، تماشای این صحنه‌ها از هر طریق که باشد، سیستم روانی تو را به هم می‌ریزد و به ورطه تنوع طلبی‌های بیمارگونه می‌اندازد. علاوه بر آن، به سلامتی شریک زندگیت

دکتر نوایی نژاد: به نظر من، فقدان یک شیوه هماهنگ و گسترده در سازمان ها، مؤسسات و نهادهای فرهنگی کشور، نقطه آسیب پذیر ماست. تعلیمات ما در حال حاضر دارای تناقض و تعارض اند. گاهی حتی دو شبکه تلویزیونی ما پیام های مخالف هم می فرستند و این کار مردم را دچار تناقض می کند. گاهی دیده می شود که تریبون رسانه های تأثیر گذار ما در اختیار کسانی قرار می گیرد که تنها می خواهند حرف های ترجمه ای و کهنه خودشان را به ذهن مردم بریزند، افرادی که سخنانشان نه متکی بر مستندات فرهنگی است، نه پایه پژوهش بومی دارد و نه مبتنی بر پژوهش های بالینی است. باور کنیم وقتی عملیات رسمی آموزش و پرورش ما یک چیز می گوید، صداوسیما ما حرف دیگری می زند، مطبوعات چیز دیگری را مطرح کنند و تبلیغات تجاری ما راه دیگری می رود، مردم دچار سردرگمی می شوند. ما نیازمند یک نظام هماهنگ فکری برای تربیت نسل جدید و خانواده ها هستیم، نظامی که به شکل امروز متناقض نباشد. ما می توانیم در مورد موضوعاتی مثل

خواستگاری، مراسم عقد و عروسی سلوک همسران و تربیت فرزندان، رهنمودهای خوبی از طریق صداوسیما ارایه کنیم.

کتابخانه: به نظر جناب عالی در خواستگاری های مرسوم ما چه مواردی نیازمند اصلاح یا تغییر اند؟

دکتر نوایی نژاد: به نکته خوبی اشاره فرمودید، بخش عمده ای از مشکلات بعدی زوج های جوان ما از همین مراسم خواستگاری شروع می شود، این مراسم، حالا بیش از آن که متأثر از فرهنگ اصیل ما و مبتنی بر اخلاق و ایمان، سلامت و سادگی باشد، متأثر از تبلیغات مجلات رنگارنگ، ژورنال های جورواجور خارجی، برنامه ماهواره ها و سنت های غلط و اشرافی است. در خواستگاری، طرف مقابل از یک پسر جوان ۲۵ ساله که در آغاز راه زندگی است، ماشین و خانه مستقل می خواهد و تازه اینها علاوه بر منخارج عروسی و خرید لباس و جواهر است. بعد هم بر سر مکان عروسی و تعداد مهمانان چانه می زنند و می گویند: عروسی یک شب و یک بار است و داماد می تواند قرض بهره ای بگیرد! خانواده ها به همه چیز فکر می کنند جز این که این



بر سر عروس، به چهار خانم سوزن و نخ های رنگی بدهند تا به اصطلاح خودشان زبان مادر شوهر و خواهر شوهر را بلوزند، از همان مراسم غلطی است که از آغاز بذر عداوت را در دل ها می باشد. من در سخنرانی هایم همه جا با این مراسم خرافی و غلط مبارزه می کنم.

کتابخانه: متأسفانه نوعی حساسگری های غیر عقلانی بر ازدواج های ما حاکم شده، خانواده عروس و داماد پیش از آن که به فکر جهیزیه فکری دختر باشند، در اندیشه جهیزیه مادی اند، وسایل و ابزاری که بعضاً هم غیر لازم، جاگیر، تشریفاتی و باری بر دوش اند. به نظر شما رعایت چه نکاتی می تواند در صمیمیت و خوشبختی زوج های جوان و به طور کلی انسجام و سعادت خانواده ها نقش و تأثیر مهمی داشته باشد؟

دکتر نوایی نژاد: تجربیات من حاکی از این است که صداقت، صراحت و شفافیت رابطه در زندگی مشترک بسیار اهمیت دارد و این امور جز از طریق گفت و گو و تعامل زن و مرد حاصل نمی شود. در خانواده های ما متأسفانه این امر ضعیف است. پنهان کاری در خانواده باعث سوء تفاهم زن و شوهر و سوء استفاده فرزندان از والدین می شود. این عوامل خانواده را متزلزل می کند. خانواده های ما متأسفانه تحریف های شناختی دارند؛ زوج ها به جای پرسش و گفت و گوی صمیمانه درباره مسایل و مشکلات، غالباً حدس می زنند، گمان می کنند و ذهن خوانی می کنند! این امور در خانواده های ما خیلی مرسوم است، مثلاً داماد حدس می زند که تغییر رفتار همسرش به خاطر آن است که او ساعتی قبل پیش مادرش بوده، البته عکس این قضیه هم صادق است. این قبیل گمان ها و حدس ها زندگی مشترک را تلخ می کند. درصد زیادی از مراجعان من، خانم هایی هستند که می گویند: هیچ گونه ابراز احساسی از طریق کلامی از طرف شوهرم به من نمی شود، او زحمت می کشد و دست پر به خانه می آید، می دانم که اینها همه نوعی ابراز علاقه است، اما اظهار و ابراز احساسات بازبان چیز دیگری است.

کتابخانه: این در حالی است که پیامبر اکرم (ص) همواره بر ابراز علاقه زبانی مرد نسبت به همسرش تأکید فرموده اند.

دختر و پسر را به متخصصی نشان بدهند تا تست شوند، شاید آن آقا اصلاً بیمار اسکیزوفرنی است، یا آن دختر خانم اصلاً با خودش مشکل دارد. متأسفانه بسیاری از اوقات خانواده ها از مراجعه به مشاور متخصص مورد تأیید، ابا دارند. مشاور را به غلط کسی می دانند که فقط با بیمارروانی سروکار دارد! در حالی که اینطور نیست، خدمات مشاوره متعلق به همه مردم از هر سنی برای پیشگیری و درمان است. خانواده ها باید بدانند که مشاوره امروز یک علم کاربردی است و می تواند در تمام مراحل زندگی انسان کار ساز باشد. ما در مورد بیننده های زناشویی متأسفانه بد عمل می کنیم، معلوم هم نیست این توقعات بیجا را از کجا آورده ایم؟! من در غرب هم کار کرده ام، چنین چیزهایی در غرب نیست. متأسفانه خانواده ها گاهی از دواج های تخیلی و اشرافی سینمایی را ملاک مراسم خودشان می گیرند و داماد بیچاره را از همان ابتدا دچار گناه، خستگی و مشکل اقتصادی می کنند، در حالی که این تشریفات، نه مبنای شرعی دارد، نه عقلی و نه تمدنی. مراسم شکلی عقد هم خالی از آسیب نیست، من بسیار دیده ام که دعوا را از همان نقطه شروع کرده اند؛ اصرار بر این که در مراسم قندسایی

متاسفانه بعضی ها فکر می کنند احساسات چیزی برای مخفی کردن است!

دکتر نوایی نژاد: این هم نوعی پنهان کاری است، من معتقدم این امر را باید از کودکی و در مدرسه به بچه ها یاد بلهیم تا در بزرگسالی دچار مشکلی نشوند.

کتاب: اجازه بفرمایید چند پرسش هم در مورد برخی از آثار شما داشته باشیم. یکی از آثار مهمی که زیر نظر و با همکاری شما و همکارانتان ترجمه و منتشر شده، «دایرة المعارف مشاوره نظری و عملی» است که در بردارنده نظریه ها، تعاریف، شیوه ها و تکنیک های روان درمانی، مشاوره و مقوله های روان شناختی مرتبط با مشاوره است. این اثر حالا به عنوان کتابی مرجع در زمینه مشاوره مورد استفاده دانشجویان و اهل تحقیق است. لطفاً درباره این کتاب توضیح تکمیلی بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: این کتاب در سال ۲۰۰۱ میلادی به زبان انگلیسی منتشر شده و اثری جامع و قابل فهم

است. ویلیام استوارت مولف کتاب، در این اثر، حوزه مشاوره را با دید و فلسفه ای کلیت گرا، همراه با مفاهیم معنوی و چند بعدی درباره انسان مورد بررسی قرار داده و از این نظر منبعی جامع برای دانشجویان رشته مشاوره است.

کتاب: یکی دیگر از آثار مطرح شما کتاب «روان شناسی زن» است. آثار متعددی در این زمینه به زبان فارسی ترجمه شده است، مایلم بدانیم کتاب شما در پیوند با چه ضرورتی تألیف شده است؟

دکتر نوایی نژاد: ضرورتی که من برای تألیف این اثر احساس کردم، همان چیزی بود که شما به آن اشاره فرمودید و آن این است که کتاب های مربوط به روان شناسی زن - با هر عنوانی که منتشر شده اند - غالباً ترجمه بودند. بسیاری از این آثار در حقیقت در توصیف زن غربی است. تلاش من در این اثر این بود که بگویم زن، به هر حال، در وجودش دارای یک سری عوامل ژنتیکی و ذاتی است، ضمن آن که با نگره های جنسیتی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی هم قابل بررسی است.

کتاب: به نظر می رسد در این اثر، کم تر به تفاوت ها و جنبه های افتراقی روحی و

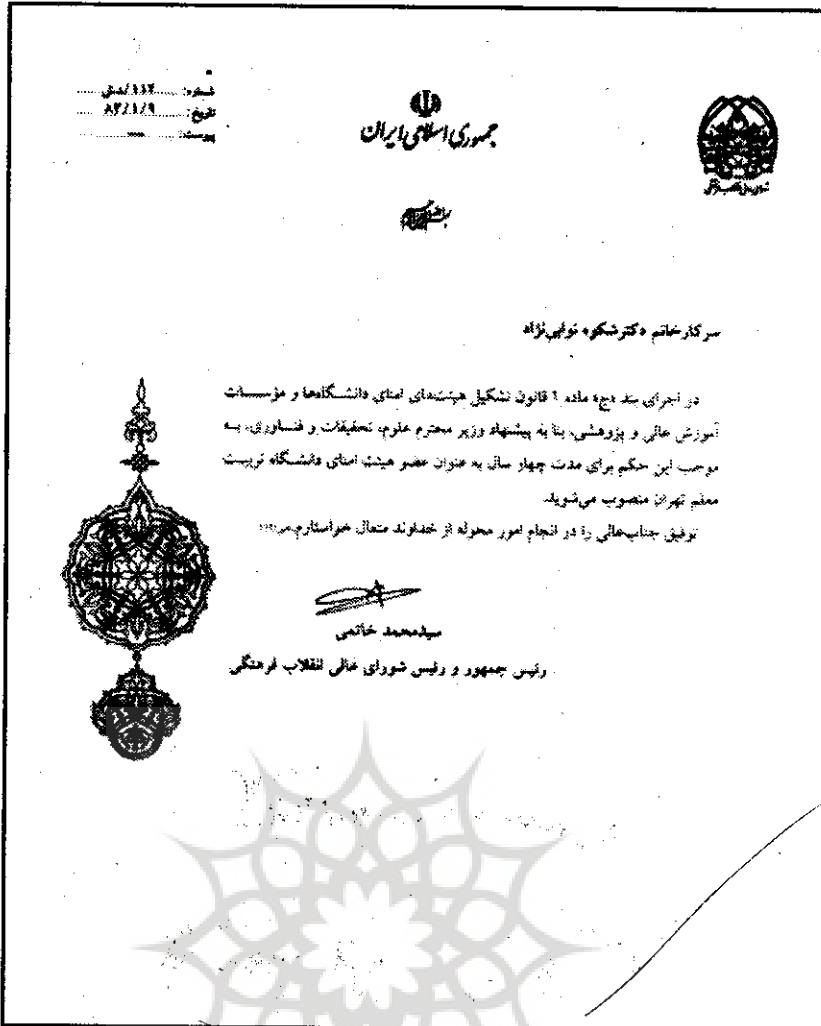
نقشی در خانواده دارد؟

دکتر نوایی نژاد: من در سال ۱۳۵۱ ازدواج کردم، همسر من از یک خانواده کم جمعیت است. رشته تحصیلی ایشان فنی است و مدتی معاون هلیکوپتر سازی ایران بودند و حالا هم مدیر تولید یک کارخانه هستند. ثمره زندگی ما دو پسر - علی و رضا - است؛ یکی از آنها ازدواج کرده و دیگری با ما زندگی می کند. بحمدالله فرزندانمان انسان های درستی هستند و اعتقاداتی در حد خودشان دارند. از عروسم راضی ام؛ ما در حقیقت سه فرزند داریم، دو پسر و یک عروس. از همسر، عروس و دو فرزندم متشکرم چون همواره به من لطف داشته اند. از همسر من یک تشکر ویژه دارم، برای این که در مراحل مختلف زندگی به من کمک کرده و زمینه رشد علمی را برایم فراهم کرده اند. همانطور که فرمودید، من زنی هستم که زندگی ام با تحصیل، تدریس، تحقیق، ترجمه، تألیف و مشاوره توأم بوده، اما این راهم بدانید که من عاشق خانه داری و آشپزی ام و سعی می کنم امور خانه را هیچ وقت

فدای موفقیت های بیرون از خانه نکنم. احساسم این است که خانم ها اگر بخواهند در جامعه جایگاهی داشته باشند، باید همپای خدمات علمی و اجتماعی در جامعه، به کار در خانه، سلوک مطلوب با همسر و تربیت فرزندان هم اهتمام کنند و به آن ارج بگذارند.

کتاب: ضمن تشکر از شما برای این گفت و گو، تقاضای منم اگر نکته فراموش شده ای در مصاحبه باقی مانده و یا یادآوری مطلبی را لازم می دانید، بفرمایید.

دکتر نوایی نژاد: من صحبت خاصی ندارم، اما لازم می دانم در پایان این گفت و گو، به روح پرفروش پدر و مادرم که اولین معلمین من بودند و همینطور به همه معلمین و اساتیدی که با کلام و کتاب و منابرشان به من چیزها آموخته اند، درود بفرستم. از خدای بزرگ مسئلت دارم اگر معلمین و اساتیدم زنده هستند، سلامتشان بدارد و اگر در گذشته اند، روحشان را شاد کند. از شما و همه دست اندرکاران کیهان فرهنگی هم برای فرصت این گفت و گو سپاسگزارم و تشکر می کنم.



روانی زنان در مقایسه با مردان پرداخته آید. دکتر نوایی نژاد: من در این کتاب، در فصل مربوط به همانندی ها و ناهمانندی ها، زن و مرد را از این نظر که فرمودید با یکدیگر مقایسه کرده ام، اما می پذیرم که کافی نبوده و کم است.

اثر دیگری در همین زمینه در دست تألیف دارم که آنجا به تفصیل به مقایسه زن و مرد از نظر توانایی ها و جنبه های شخصیتی و روحی پرداخته ام و دیدگاه فلاسفه و اندیشمندان را هم آنجا ذکر کرده ام. کتاب دیگری هم با عنوان «روان شناسی جنسیت» در دست تألیف دارم که در حقیقت تألیف و ترجمه است. عنوان کتاب دیگرم که ان شاء الله به زودی منتشر خواهد شد، «نقش اخلاق در مشاوره» است.

کتاب: اگر رخصت بفرمایید می خواهیم به عنوان آخرین پرسش، سوالی هم درباره همسر و فرزندان جناب عالی داشته باشیم. برای خوانندگان ما جالب است که بدانند یک خانم دانشگاهی و صاحب چندین تألیف و ترجمه و تحقیق و سال ها تدریس در دانشگاهها و تجربه اندوزی در کلینیک مشاوره در آمریکا و ایران، سلوک خانوادگی اش چگونه است و اصولاً چه